

## بررسی امکان وقوع بحرانهای اجتماعی ناشی از حوادث طبیعی در استان خوزستان

\* محمدحسین ژرفاساداتی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۷/۰۲

\*\* پرویز جعفری فشارکی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۳۰

\*\*\* نبی سهرابی

### چکیده

این پژوهش امکان وقوع بحرانهای اجتماعی را پس از رخدادهای طبیعی در استان چندقومیتی خوزستان بررسی کرده است. پژوهش با روش مطالعه کتابخانه‌ای و مقالات مرتبط با موضوع و همچنین جمع‌آوری داده‌های میدانی از طریق پرسشنامه و مصاحبه انجام شده است. بررسی و تجزیه و تحلیل به دو صورت کمی از طریق نرم‌افزار اس پی اس اس و کیفی انجام گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد میان بهره‌وری مدیریت دولت و مدیریت بحران در کاهش بحران اجتماعی ناشی از حادثه طبیعی ارتباط مستقیم وجود دارد. مهمترین امکان وقوع بحران اجتماعی پس از حادثه طبیعی در استان خوزستان، فقر، تشدید اختلافات قومیتی، تبعیض، بی‌عدالتی و فراهم‌بودن بستر این چالشها از نتایج تحقیق قلمداد می‌شود. از مهمترین راهکارهای پیشگیری از بحرانهای اجتماعی، مدیریت صحیح و عدالت‌محور هر حادثه طبیعی در مناطق با تنوع قومیتی است. اصلاحات فرهنگی همچون تعدیل در تعصب قومی و آموزشهای صحیح از طریق رسانه، مؤسسات و نهادهای آموزشی، راهکار دیگری برای پیشگیری از بحران اجتماعی ناشی از مخاطره در استان خوزستان است؛ گرچه رفع فقر و محرومیت‌زدایی، اولویت نخست مدیریت دولتی با رویکرد مدیریت بحران در مرحله پیشگیری است.

**کلیدواژه‌ها:** مدیریت بحران در استان خوزستان، بحرانهای اجتماعی در استان خوزستان، استان خوزستان، قومیتها در استان خوزستان، پیشگیری و حوادث طبیعی، سوء مدیریت در استان خوزستان

\* کارشناسی ارشد مدیریت بحران، پژوهشگر دانشگاه صنعتی مالک اشتر، دانشگاه صنعتی مالک اشتر، تهران، ایران  
mhsadati@gmail.com

\*\* استادیار دانشگاه صنعتی مالک اشتر، تهران، ایران

\*\*\* استادیار دانشگاه صنعتی مالک اشتر، تهران، ایران

## مقدمه

بررسی امکان وقوع بحرانهای اجتماعی ناشی از حوادث طبیعی در استان چندقومیتی خوزستان در کمتر مقاله یا کتابی در قالب تألیف و یا پژوهش مطلب قابل استنادی ارائه شده است. استان خوزستان تنوع قومیتی (همانند عرب، لر، بختیاری، فارس، ترک قشقایی، کرد و...) ویژه‌ای دارد و امکان ایجاد بحرانهای اجتماعی ناشی از اختلافات و رقابتهای قومیتی در آن بسیار زیاد است. درباره مخاطرات طبیعی، که از مهمترین تهدیدات استان قلمداد می‌شود به دلیل ویژگی بحران در کاهش توانمندیها و تقلیل امکانات و دگرگونی قوانین جاری، اهمیت بحرانهای اجتماعی هنگام و بویژه بعد از بحران طبیعی افزایش چشمگیری می‌یابد. بحران اجتماعی در منطقه‌ای با تنوع قومیتی زیاد مانند استان خوزستان، که اغلب عشایر مسلح از قومیت‌های مختلف هستند، امکان لازم را برای تبدیل شدن به بحران امنیتی نیز دارد. باید این خطر را پذیرفت که در صورت رخداد حادثه‌ای طبیعی و بالفعل شدن بحران اجتماعی و در پی آن بحران امنیتی باتوجه به ریشه‌داربودن برخی قومیتها در استانهای دیگر، ممکن است این مسئله تهدیدی در قالب امنیت داخلی ملی تلقی شود. بنابراین توجه به موقعیت بسیار راهبردی استان خوزستان و منابع سرشار نفتی (حدود ۸۰٪ نفت کشور در این استان است)، آبی (بخش اعظمی از منابع آب شیرین کشور در این منطقه است)، کشاورزی (باتوجه به وجود منابع آبی و خاک حاصلخیز، استان خوزستان یکی از قطبهای اصلی کشاورزی کشور است)، انرژی (وجود نیروگاه‌های برق آبی مهم و راهبردی در این منطقه) و نیز چشم طمعی که برخی کشورهای مرتجع عربی به آن دارند، ضروری است بعد از بررسی ظرفیتهای ایجاد یا تقویت‌کننده بحرانهای اجتماعی، مخاطرات پیش‌رو، قومیتها و طوایف استان، بررسی و راهکارهایی ارائه شود.

ضمن در نظر داشتن عقب‌افتادگیهای این استان، شرایط بحرانهای حاد اجتماعی بسیار محتمل و موجود است. اگر نگوئیم فقر بحران اجتماعی خطرناکی است، باید گفت یکی از مهمترین عوامل پیدایش بحرانهای اجتماعی همین فقر است؛ مسئله‌ای که در این استان غنی بیداد می‌کند.

یکی از عواملی که در زمان دفاع مقدس عده‌ای از مردم قومیت عرب در این استان از حمله حزب بعث عراق ابراز خشنودی می‌کردند، نقاط خطرپذیر اجتماعی در میان این قومیت بود. البته باید دانست اغلب مردم اصیل و سلحشور عرب ایرانی در کنار غیورمردان مدافع برای حفظ خاک، ناموس و شرف کشور در کنار تمامی قومیت‌های ایرانی داوطلبانه جنگیدند و شهدا، آزادگان و جانبازان بسیاری را تقدیم میهن کردند. تعامل از نوع ازدواج در استان خوزستان رایج است؛ بدین ترتیب دو قبیله که سابقاً در تنش بودند، وقتی به صلح و آرامش می‌رسند، اغلب موضوع را با چند ازدواج در میان یکدیگر تثبیت می‌کنند؛ اما همین مسئله به نوعی، زمینه بحران اجتماعی پر شاخ و برگ است. با اختلاف خانوادگی در میان یک خانواده و یا ازسوی دیگر اختلاف دوباره دو قبیله، بحران اجتماعی طلاق، فرزندان طلاق، کینه‌های جمعی گسترده و دیگر مشکلات تبلور می‌یابد. زمینه‌های خطرپذیر از نوع اجتماعی، که ریشه آن در اختلافات قدیمی یا رقابتی طوایف و اقوام خوزستان وجود دارد با جرقه‌ای همچون حوادث طبیعی که در آن نیازمندیها افزایش می‌یابد و در مقابل، امکانات و تجهیزات محدود می‌شود در منطقه مستضعف خوزستان به بحران اجتماعی منجر خواهد شد.

### پیشینه تحقیق

لورا دوگان<sup>۱</sup> (۲۰۱۴) در رساله دکتری خود به بررسی تأثیر حوادث طبیعی بر تروریسم کردی در ترکیه از سال ۱۹۸۷ تا ۲۰۱۱ و ارتباط آن با مدیریت دولتی پرداخته است. وی نتیجه می‌گیرد که هر مقدار بهره‌وری مدیریت دولتی و مدیریت بحران در مناطق کردنشین در زمان حوادث طبیعی بویژه پیش از رخداد طبیعی افزایش یابد به‌طور معکوس میزان حملات و تنش‌های تروریستی در مناطق کردنشین کاهش می‌یابد.

یدالله دهقان (۱۳۹۵) شکافهای اجتماعی بر شکل‌گیری و رشد رادیکالیسم در سوریه با تأکید بر شکافهای قومی - مذهبی را مورد مطالعه قرار داده است.

امیر حدادپور (۱۳۹۴) به جایگاه هویت قومی در همبستگی ملی در اقوام عرب

1. Laura dugan

خوزستان پرداخته است.

محمدرضا محمدشفیعی و امیرحسین محمدشفیعی (۱۳۹۴) به بررسی بحران و راهکارهای مدیریتی آن پرداخته‌اند.

حبیب عسکری پور و پریسا دریای (۱۳۹۴) به تنوعات قومی به‌عنوان فرصت یا تهدید پرداخته‌اند.

حمید برقی (۱۳۹۵) به بررسی تأثیرات خشکسالی بر ساختار اقتصاد روستایی پرداخته است. این پژوهش به‌دنبال بررسی تأثیر بحران خشکسالی بر ساختار اقتصادی روستایی است.

حسین کریمی‌فر (۱۳۹۴) با بررسی قومیت و امنیت پایدار بیان می‌کند که احساس امنیت، زیربنای توسعه و پیشرفت در استان خوزستان است. قومیت و مسائل پیرامون آن از مهمترین موضوعاتی است که در بحث امنیت مطرح می‌شود.

علی کریم‌زاده (۱۳۹۲) در آسیب‌شناسی مسائل قومی در جامعه ایران با استفاده از رویکرد کمی و به‌صورت پیمایشی در شهرستان اهواز مقاله‌ای نوشته است.

عبدالباقی قیوم (۱۳۸۰) با نگاهی جامعه‌شناسانه به زندگی و فرهنگ مردم عرب خوزستان می‌نگرد.

سعید امان‌پور و کوبک ظریفی (۱۳۹۱) پژوهشی در ارزیابی خطر و خطرپذیری حوادث طبیعی و غیرمترقبه در استان خوزستان انجام داده‌اند.

## مفاهیم و ادبیات نظری

### ۱. قومیت

با گسترش کشمکشهای قومی و افزایش اهمیت آن در سیاست بین‌الملل در طول دو دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی، شاهد بی‌توجهی فزاینده نسبت به قومیت و ناسیونالیسم قومی در شاخه‌های گوناگون علوم اجتماعی بوده‌ایم. حاصل این توجه در محافل علمی و حکومتی انتشار کتابها و مقالات در مورد گروه‌های مختلف زبانی، مذهبی و نژادی در فعالیتهای سیاسی و نیز ناسیونالیسم قومی و تأثیر این فرایند بر امنیت ملی کشور و

تهدیدات ناشی از آن است. باتوجه به انگیزش خاستهای قومی در گستره جهانی و دامن‌زدن به منابع قومی ناسیونالیسم چنین به نظر می‌رسد که در دهه آینده تمام کشورها بویژه ایران با این مسئله روبه‌رو خواهند شد. از آنجا که قومیت ناسیونالیسم قومی از شاخصهای عمده در شناخت ظرفیت طبیعی کشورها برای رسیدن به ثبات و دوری از خشونت به‌شمار می‌آید، امنیت همه کشورها بویژه ایران، که در چهارراه تمدنی و قومی قرار دارد، بدون توجه به این بعد رقم نخواهد خورد (احمدی، ۱۳۷۹).

واژه قومیت بیشتر استفاده کاربردی دارد و برداشتهای متفاوتی از آن صورت گرفته است. در این میان تعریف آنتونی اسمیت کاربرد بسیاری دارد. «قوم جمعیت انسانی مشخص با افسانه اجداد مشترک، خاطرات مشترک، عناصر فرهنگی، پیوند با یک سرزمین تاریخی با وطن و میزانی از حس منافع و مسئولیت است» که عناصر محوری هویت، اعتقاد، آگاهی و فرهنگ مشترک را دارا است.

در هویت ملی یا حقوق شهروندی این سؤال مطرح است که فرد، خود را عضو چه واحد سیاسی می‌داند و تا چه اندازه احساس بیگانگی او با واحد سیاسی عمیق است و افراد ساکن در جغرافیای سیاسی خاص و تحت حاکمیت قوانین حاکم بر آن، آیا از لحاظ روانی نیز خود را عضو آن واحد می‌دانند. هویت ملی، وجوهی دارد؛ از جمله با حقوق شهروندی و شهروند ملی رابطه نزدیکی دارد که به‌طور سنتی بر برابری انسانهایی تأکید شده است که عضویت دولت ملی را پذیرفته اند (عصاریان‌نژاد، ۱۳۸۳).

واژه قومیت در اصل برای مطالعه چارچوب تاریخی خاص، یعنی امریکا به‌وجود آمد که در آن گروه‌های مختلف نژادی، زبانی و مذهبی دارای ملیتهای اولیه گوناگون زندگی می‌کردند (احمدی، ۱۳۸۴).

مفهوم قومیت به گروهی از انسانها تعلق می‌گیرد که دارای نژاد، زبان، خاطرات تاریخی و از این قبیل مشترکات هستند و این عوامل باعث ایجاد تمایز و تفاوت و هویت یافتن آنها از دیگران افراد ملت می‌شود.

قوم یا همبودی قومی، سازمان اجتماعی شکل‌یافته‌ای است که در پهنه سرزمین معین قرار دارد و مردمی را که در طول تاریخ با هم پیوندهای اقتصادی، فرهنگی، خویشاوندی

و... برقرار کرده‌اند، تحت پوشش قرار می‌دهد (دژم‌خوی، ۱۳۸۰). برخی شاخصهای قومی را «خودآگاهی قومی» «زبان مادری» «سرزمین نیاکانی» یا زادگاه و «ویژگیهای روانی - فرهنگی» و «شیوه زیستن» می‌دانند (رمضان زاده، ۱۳۷۶).

هویت قومی بخشی از هویت اجتماعی افراد است که در ارتباط با هویت‌های محلی، منطقه‌ای، نژادی، فرهنگی و جزء آن قرار می‌گیرد؛ با این حال هویت قومی، عنصر بارزی در میان هویت‌هاست؛ چنانکه هر یک از انسانها خود را به قوم و تباری (خیالی یا واقعی) وابسته می‌دانند. ضرورت این انتساب تا حدی است که اسمیت معتقد است اگر ملتها خود را به ریشه قومی واقعی یا خیالی متصل نکنند، فرو می‌پاشند (گودرزی، ۱۳۸۴).

علاوه بر این تعاریف از واژه قومیت، گروهی از اندیشمندان علوم اجتماعی باتوجه به وجود گروه‌های قومی در جوامع مختلف سعی می‌کنند تعاریفی عملیاتی از این واژه ارائه کنند. به عبارتی این گروه براساس مشاهدات خود تعبیر گروه‌های قومی را برای تبیین این مفهوم انتخاب کرده‌اند.

این واژه به جداسازی محدودیتهای جمعیتی و فرهنگی گروه‌های قومی توجه بیشتری می‌کند. در مجموع دو رویکرد عمده در تعریف گروه‌های قومی وجود دارد: رویکرد نخست، تمایزات ملموس و عینی<sup>۱</sup> همچون زبان، نژاد و پوشش را شاخصهای تمایز گروه‌های قومی از یکدیگر معرفی می‌کند و رویکرد دوم، به ویژگیهای غیر ملموس و ذهنی<sup>۲</sup> به مثابه ساختارهای فرهنگی توجه می‌کند که مرزهای گروه قومی را مشخص می‌سازد (فرخی، ۱۳۸۶).

## ۲. امکان درگیری قومیتی

امروزه انگیزه تحرک قومیتها جدی است. دشمن مشغول تحریکات است. دشمن را نباید دست کم گرفت. مراقب باشید. این از جمله چیزهای بسیار مهم است. احساس می‌شود دستهایی در جریان هستند برای اینکه زمام این کار را از دست دولت خارج کنند. «مقام معظم رهبری»

موقعیت جغرافیایی اقوام، معادله امنیت ملی را پیچیده‌تر کرده است. اقوام مختلف و

1. Objective
2. Subjective

اقلیتهای مذهبی در حساسترین حوزه‌های راهبردی کشور و جداره‌های مرزی اسکان یافته‌اند که عقبه آنان در ورای مرزها و بیرون از حوزه نفوذ و اثرگذاری حاکمیت ملی قرار دارد. متأسفانه شیپ برخی از این حوزه‌ها به خارج از کشور است و از ابعاد ذیل موجب تهدید و آسیب‌شناسانه تلقی می‌شوند (ایوبی، ۱۳۷۷).

به لحاظ ارتباط و پیوند حوزه‌ها به خارج از مرزها، هرگونه چالش و بحران بیرونی نیز بسادگی به داخل مرزها سرایت می‌کند و در نتیجه امکان نظارت و تعهد حاکمیت ملی بشدت کاهش می‌یابد و نهایتاً دولت جمهوری اسلامی ایران را بالقوه با پدیده ایردنتیسم<sup>۱</sup> یا جنبش استقلال‌طلبانه‌ای روبه‌رو می‌کند که خواستار الحاق به نیمه جداشده خویش در آن‌سوی مرز است.

امروزه بخشی از اقوام ترک، کرد، بلوچ و عرب در ایران و بخشی از آنها در مناطق دیگر کشورها ساکن هستند. هر چند وجود این اقوام در همسایگی ایران می‌تواند موجب نفوذ فرهنگی ایران شود، به‌صورت معکوس موجب دخالت بیگانگان در امور داخلی ایران، و معمولاً افکار ناسیونالیستی و تجزیه‌طلبی از همین مناطق وارد می‌شود.

وجود کانونهای فعال بحرانهای قومی و مذهبی در جداره‌های همسایگان ایران مثل هندوستان، گرجستان، روسیه، لبنان، فلسطین اشغالی و دیگر نقاط غرب آسیا ممکن است کل منطقه را در شعله‌های آتش فتنه غوطه‌ور، و بسرعت با بحرانهای واگرایی قومی - مذهبی روبه‌رو سازد. مسئله تکثر قومی و مذهبی کشور، زمانی که با اهداف و مطامع استعماری بیگانه و دشمنان همراه شود از اهمیت و حساسیت فوق‌العاده‌ای برخوردار می‌شود. ناهمگونی فرقه‌ها و اقلیتهای قومی و مذهبی از مهمترین ابزارهای آنها به‌شمار می‌رود.

شکافها و تعارض گروه‌های گونه‌گون در میزان ثبات یا ایجاد بی‌نظمی و ناامنی کشور نقش مهمی دارد. این شکافها و تعارضات ممکن است متقاطع یا موازی، فعال یا غیرفعال، واحد یا متعدد باشند. تعداد گروه‌ها، موازی‌بودن آنها و فعال‌شدن شکافها موجب اختلاف با دیگر مناطق و دولت مرکزی و در نتیجه بی‌ثباتی و ناامنی می‌شود که در ایران قابل مشاهده است؛ زیرا در اغلب مناطق قومی‌نشین کشور، تضاد قومی و نژادی با تضاد زبانی

## 1. Irredentism

و تفاوت مذهبی همراه است؛ بالطبع اگر این تضادها فعال، و شکافها عمیق شود، موجب ناامنی خواهد شد (دیوسالار، ۱۳۸۷).

### ۳. رقابت قومیتی

کشور ایران، گویشهای مختلف، فرهنگهای قومی، خرده‌فرهنگها، قبایل، عشایر، طوایف و نژادهای مختلفی دارد. بسیاری نیز بر این باورند که سطح هویت جمعی در جامعه ایران بسیار نازل، و هویت جمعی در سطح کشور بسیار ضعیف است به‌گونه‌ای که افراد پایبند ارزشها و هنجارهای خاص‌گرایانه فامیلی و قومی خود هستند و در زندگی و فعالیتهای روزمره، مصالح و منافع خانوادگی و قومی خود را بر مصالح و منافع عام در سطح جامعه از جمله مصالح و منافع ملی ترجیح می‌دهند و این همه نشان‌دهنده ضعف جدی هویت ملی در ایران است.

ثابت شده است که میزان وفاق اجتماعی با مسئله اقوام در ارتباط جدی است. بنابراین اقوام ایرانی وجود خارجی دارند و از نظر هویت ملی ضعیفند و این بحران هویت در شرایط مختلف تاریخی نمود یافته است.

باتوجه به اشاره به مبحث هویت ملی و میزان ارتباط جدی آن با مسئله اقوام وحدت و هویت تعریف می‌شود. هویت ملی نوعی احساس تعلق و تعهد اعضای جامعه به رموز و نهادهای فرهنگی شامل هنجارها، ارزشها، زبان، دین، ادبیات و تاریخ مشترک است که موجب تمایز آن جامعه از دیگر جوامع و تقویت انسجام ملی می‌شود.

هویت ملی یکی از اساسیترین عناصر و پیش‌شرطهای ضروری دستیابی به وحدت و همبستگی ملی است. وحدت ملی به‌معنای هماهنگی و همبستگی میان اجزای تشکیل‌دهنده نظام سیاسی و اجتماعی، یکی از مؤلفه‌های اقتدار و امنیت ملی است. افزایش ضریب وحدت و همبستگی ملی باعث کاهش تهدیدات داخلی و خارجی می‌شود. به‌علاوه زمینه‌های مناسبی برای توسعه و پیشرفت کشور فراهم می‌سازد؛ به همین دلیل بسیاری از کشورها بویژه جوامع در حال توسعه با این مسئله روبرو هستند که با وجود اختلافات وسیع و عمیق قومی، مذهبی و فرهنگی چگونه می‌توان از بروز بحرانهای تهدیدکننده همبستگی ملی، جلوگیری، و یا در صورت بروز، آن را مدیریت کرد



(ابراهیم‌آبادی، ۱۳۹۰).

لازم به ذکر است که وحدت ملی یکی از مهمترین عوامل حیات دولتهای کنونی است که به‌واسطه آن هویت هر ملتی تکوین می‌یابد و بقا و تداوم آن در طول زمان میسر می‌شود. بر همین اساس، شناخت متغیرهای مؤثر بر آن بسیار حائز اهمیت است. وجود قومیتها به‌عنوان قسمی از خرده‌فرهنگها، یکی از متغیرهای مهم و مؤثر بر وحدت ملی است که در درون خود و در صورت بی‌توجهی به آن، خطر بالقوه‌ای برای این مهم نیز هست.

ایجاد وحدت ملی از چنان اهمیتی برخوردار است که دولتها برای رسیدن به آن، تمامی تدابیر و روشها را به‌کار می‌گیرند و گاهی به اعمال خشونت نیز متوسل می‌شوند. ایجاد وحدت ملی در کشورهایی که تنوع قومی دارند، اهمیتی دوچندان می‌یابد (صالحی امیری، ۱۳۸۵).

وحدت ملی در ایران نیز به‌عنوان کشوری کثیرالقوم، همواره در معرض تهدیدات گوناگون از جمله مطالبات قومی بوده است. بنابراین از گذشته‌های دور، وحدت ملی، همواره به‌عنوان هدف راهبردی مورد توجه حکومت‌های ایران بوده و همچنان اولویت خود را حفظ کرده است.

در حال حاضر نیز به دلایل مختلفی چون فضای جهانی تحت تأثیر پایان یافتن جنگ سرد و تشدید رقابتهای قومی، افزایش تهدیدهای خارجی، تغییر در لایه‌های زیرین جامعه بویژه ارتقای سطح آگاهیهای عمومی، موضوع حفظ و تقویت وحدت و همبستگی ملی از جمله مسائل و مشکلات مبتلابه جامعه ایران است.

دیدگاه صاحب‌نظران درباره مؤلفه‌ها و عناصر وحدت و همبستگی ملی فراوان و گوناگون است. اتحاد ملی ممکن است بر پایه محورهای مختلفی در جامعه شکل بگیرد. برخی ذهنیت و سرگذشت مشترک تاریخی، میراث مشترک فرهنگی، هدف و برخی نیز فرهنگ، پرچم، درد و دین مشترک را در زمره مؤلفه‌های همبستگی ملی قرار می‌دهند (تاجیک، ۱۳۸۳).

#### ۴. اقوام و طوایف استان خوزستان

##### طوایف عرب استان خوزستان

مهمترین طوایف عرب استان خوزستان به این شرح هستند: بنی‌طرف (شامل زیرشاخه‌های عبیدآوی، بیت سیاح، حردانی، حمادی، مزرعه، فریسات، سواری و...); بنی‌کعب (شامل زیرشاخه‌های الهایی، عساکره، خنافره، دریس، البوغبیش، شریفات و...); عباده (شامل زیرشاخه‌های آل قاطع، بروایه، عچرش، دغاغله، کروشات، طویرات و...); باوی (شامل زیرشاخه‌های سلامات، العمور، آل حمید (الحمید)، زرگان، نواصر و...); خزرچ (خزرچ یا محرف آن خسرج یکی از دو قبیله عرب اصلی مدینه بود؛ قبیله دیگر اوس بود.); آل کثیر (مورخان، زمان مهاجرت آل کثیر به خوزستان را همزمان با حکومت صفویه می‌دانند.); مفتوح (شامل زیرشاخه‌های عبدالخان، مزرعه، خصرج، آل بورویه، کعب و سادات، دیلم و...); مذحجیان یا نیسی مذحجیان (عرب جنوبی و ساکن یمن بودند و فرزندان مذحج‌اند که نسب‌شناسان عرب، نسب او را مذحج بن اُدد بن زید بن یشجب بن عرب بن زید بن کهلان بن سبأ بن یشجب بن یعرب بن قحطان آورده‌اند.); بنی‌کنانه یا چنانه یا چنانی (نسب این قبیله به کنانه بن خزیمه بن مدرکه بن الیاس بن مُضَر بن نزار بن معد بن عدنان می‌رسد که جد قبائل عدنانی است. این طایفه یمانی است.) (کسروی، ۱۳۶۲).

##### ۵. طوایف لر استان خوزستان

درباره ایلات، طوایف، تیره‌ها و خاندانهای مختلف قوم لر، منابع مختلف از کتابهای قدیمی تاریخی تا آخرین چاپ و نشر با کیفیت ممتاز امروزی آن و هم‌چنین شبکه‌ها و سایتها و کانالهای اینترنتی داخلی و خارجی مطالبیس نوشته و گفته‌اند. متأسفانه برخی از این منابع، که بارها نیز مورد استناد واقع می‌شود، اشتباهاتی دارد و تصحیح و به‌روزرسانی هم نمی‌شود و به همان شکل باقی می‌ماند و نیز برای رفع نقص و یکدست‌سازی و تکمیل این اطلاعات هیچ مرجعی نیست. شاید روزی یک همایش سراسری و یا کنگره قومی برگزار شود و در سرفصلهای برنامه‌اش چنین تجمیع و به‌روزرسانی را بگنجاند. تلاش می‌شود با مراجعه به منابع موجود اعم از کتابهای تاریخی، قلبی کلی ارائه داده شود

که شاید از اشتباهات کم کند. گرچه سعی می‌شود این قالب، شجره قوم لر را بیان کند، خودبه‌خود و باتوجه به اطلاعات موجود، عمدتاً به شجره‌نامه ایل بختیاری در استان خوزستان پرداخته شده است.

ساختار اجتماعی ایل بختیاری به‌صورت امروزی پیشینه‌ای چندصدساله دارد و تغییر شکل چندانی نیافته؛ اما طی چند دهه گذشته به تعداد تیره‌های طوایف آن افزوده شده است؛ به‌عنوان مثال طایفه بابادی هفت‌لنگ، که تا قبل از دهه ۴۰ خورشیدی شامل حدود سی تیره بوده، امروز نزدیک به ۱۲۰ تیره است و طایفه ایسوند چهارلنگ، که در همان زمان هفت تیره بوده است، امروز نزدیک به ۳۰ تیره را شامل می‌شود. ساختار و نمودار اجتماعی دیرینه ایل بختیاری، که بر اساس آن، ایل به دو شاخه چهار و هفت تقسیم می‌شود، هرشاخه از چند باب، هر باب از چند طایفه، هر طایفه از چند تیره، هر تیره از چند تش، هر تش از چند اولاد و هر اولاد از چندین خانوار تشکیل می‌شود که کوچکترین بخش این تقسیم‌بندی را شکل می‌دهد. علیقلی‌خان سردار اسعد بختیاری در فصل هفت کتاب تاریخ بختیاری در باب جغرافیا و تاریخ بختیاری بسیار ساده و مختصر، "آنچه را در خاک خوزستان اراضی مسطح و صحاری است، اراضی عربستان یا خوزستان و آنچه را ماهور و جبال است، خاک بختیاری" محسوب کرده، و بختیاری را نیز دو قسم هفت‌لنگ و چهارلنگ خوانده که چهار تیره هفت‌لنگ را "دورکی، بابادی، بختیاروند و دینارانی" و چهار تیره چهارلنگ "محمدصالح، موگویی، کیومرثی و میموند" برشمرده است. البته در چاپهای اخیر این کتاب و در پایان کتاب در بخش ضمیمه به شجره‌نامه کامل ایل بختیاری اختصاص یافته و در تنظیم این مطلب از کتاب تاریخ بختیاری استفاده شده است.

لرهای کوچ‌نشین بر این اساس به دو گروه تقسیم می‌شوند: نخست، گروه اکثریت که فقط به شغل دامداری و در کنار آن به کارهای زراعی می‌پردازند. دوم، کوچ‌نشینانی که دامدار نیستند و اشتغالات دیگری دارند؛ اینها چند دسته‌اند:

توشمالها (نوازندگان ایل) که بختیاری هستند و همیشه با ایل کوچ می‌کنند و در مجالس شادی و عزای آنها ساز می‌نوازند. زنان توشمالها در نوازندگی نقشی ندارند. ازدواج در میان آنها درون‌گروهی است و لرهای بختیاری با آنها وصلت نمی‌کنند. جد این

توشمالها کَرُنَکِش بابااحمد بوده است و آنها خود را از طایفه بامدی می‌دانند؛ ولی سرجمع طایفه هموله هستند.

۲. غربت‌ها، یا غربتی‌ها (کولیه‌ای ایل)، که بختیاری نیستند و کارشان آهنگری، سبدبافی و جز آنهاست. بختیاریها به آنها دختر نمی‌دهند و از آنها دختر نمی‌گیرند. ازدواج آنها نیز درون‌گروهی است؛ همیشه با ایل کوچ می‌کنند و در حاشیه شهرکهای واقع در بیلاق و گرمسیر چادر می‌زنند و برای ایلیاتی‌ها ابزار و وسایل کار و اسباب خانه می‌سازند.

۳. تخت‌کش‌ها که برای گیوه تَخت درست می‌کنند. آنها سرجمع طایفه ببادی هستند؛ ولی در همه‌جا پراکنده‌اند. ازدواج در این دسته نیز درون‌گروهی است.

۴. کلاه مالها و نمد مالها، که گر هستند؛ ولی با ایل کوچ نمی‌کنند (ظل‌السلطان، ۱۳۵۰).

۵. گروه عرب کَمَری، که دو زبانه‌اند (عربی و لری) و زنانشان جامه عربی و مردانشان جامه بختیاری می‌پوشند. با اینکه عرب کمربها برای خود سازمان طایفگی مستقل دارند و به دو طایفه «عرب کنگرپز» و «عرب علی بک» تقسیم می‌شوند در درون سازمان اداری ایل بختیاری قرار می‌گیرند. خانواده‌های این دو طایفه در سه بخش دورکی، ببادی و بهداروند قرار گرفته‌اند و از کلانتران این طوایف فرمان می‌برند.

مناسبات میان عرب کمری و بختیاری بین دو تعریف «تابعیت» و «اتحاد» در نوسان است. عربهای کمری تحت‌الحمایه بختیاریها هستند و از آنها پیروی می‌کنند و با آنها پیوند سببی نیز برقرار کرده‌اند؛ از این‌رو، مظاهر اتحاد نیز میان آنها مشهود است. طایفه عرب کمری چهارلنگ‌ها در اطراف ایذه می‌نشینند.

۶. سادات. هر طایفه‌ای از بختیاری تیره‌ای به نام سادات دارد. سادات شاه خراسان در طایفه ببادی، سادات شاهزاده عبدالله در طایفه محمود صالح چهارلنگ میانکوه، سادات بوویر در هفت‌لنگ میانکوه، سادات سلطان ابراهیم چهارلنگ در میانکوه نزدیک ایذه، سادات سیداحمد کبیر در هفت‌لنگ میانکوه نزدیک ایذه، و سادات سیدعیسی (سعید) در چهارلنگ فریدن و بُرُپُرد. سادات گله‌دار و کشاورزند و مورد احترام ایل قرار دارند (پورکریم، ۱۳۵۶).

## دیگر قومیتها

از دیگر قومیت‌های استان خوزستان می‌توان به این طوایف اشاره کرد: ترک قشقایی، منداییان یا صابئین (پیروان مذهب حضرت یحیی(ع))، کرد، لک و دراویش. هم‌چنین دزفولیا، شوشتریها و بهبهانیاها بعضاً گویش مستقلی دارند که از دیدگاه تاریخی به مردمان باستان خوزستان متصل می‌شوند و به آنها خوزی نیز می‌گویند (دهخدا، ۱۳۷۹؛ سایکس، ۱۳۶۲؛ پیمان، ۱۳۴۷).

### ۱. نقاط خطرپذیر اجتماعی

عناصر اصلی امنیت اجتماعی در ایران با فرض نسبی بودن، تنوع، قابل کنترل بودن، تغییر و چندوجهی بودن مفهوم امنیت اجتماعی در ایران، مهمترین دغدغه‌های ایرانیان (در سطح فردی و گروهی) به ترتیب وزن و نقش مؤثر عبارت است از:

۱. فقر اقتصادی
۲. اعتیاد
۳. خشونت خانوادگی
۴. فساد و فحشا
۵. بی‌اعتمادی
۶. هویت‌خواهی
۷. تبعیض
۸. نظام تأمین اجتماعی
۹. جنایات سازمان‌یافته
۱۰. مسائل زنان
۱۱. بیماریها و اختلالات روانی

این یازده مورد، نقاطی است که خطرپذیری اجتماعی را پدید می‌آورد و یا به عبارتی به‌چالش‌کشاندن این نقاط به تهدید یا به خطراتادن امنیت اجتماعی منجر می‌شود (دشتیان، ۱۳۹۷).

### ۲. بحرانهای اجتماعی

بحران اجتماعی به‌مخاطره‌افتادن و به‌هم‌خوردن تعادل عمومی و زندگی اجتماعی بر اثر اختلالات یا مقتضیات پدیدآمده در جزء یا اجزایی از جامعه است که یا بر اثر عدم سازگاری سازمانهای اجتماعی با یکدیگر و یا به‌دلیل ناتوانی مؤسسات اجتماعی در تحقق اهداف ساختها و نهادهای اجتماعی به‌وجود می‌آید.

بحران اجتماعی سطوحی دارد و شامل آشفتگی اجتماعی، بی‌سازمانی اجتماعی و انقلاب اجتماعی می‌شود. تغییر در ساختارها باعث گسسته‌شدن رفتار و روابط متقابل، و در نتیجه، فرایند جامعه‌پذیری مختل و غیر مؤثر، و در نتیجه بحران اجتماعی ظاهر می‌شود. هم‌چنین در صورتی که سازگاری سازمانهای جامعه کاهش یابد، جامعه دستخوش بحران

و آشفتنگی اجتماعی می‌شود؛ ولی اگر سازگاری سازمانهای جامعه بشدت رو به زوال رود، نظم اجتماعی جای خود را به بی‌نظمی می‌دهد و بی‌سازمانی رخ می‌دهد. اگر بحران در سطح مؤسسات به انهدام ساختار نهادها منجر شود، انقلابهای اجتماعی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

بحران اجتماعی گاهی اوقات فقط جزئی از جامعه را فرا می‌گیرد و با مسائل اجتماعی خاصی مرتبط می‌شود (مانند نابسامانی ناشی از کمی دستمزدها) که در این صورت بحران اجتماعی، جزئی خوانده می‌شود؛ در این صورت کنترل و هدایت آن توسط نیروی اجتماعی غالب آسان خواهد بود؛ اما گاهی اوقات بحران اجتماعی عمومی است که در این صورت بر مجموع ساختها و نهادهای جامعه، به دلیل تأخیر و عدم تطابق آنان با انتظارات موجود در باب پیشروی جامعه جدید و مترقی، اثر می‌گذارد؛ در نتیجه چنان نابسامانی عمومی و عدم تعادلی فراگیر در جامعه بروز می‌کند که گسست نظم موجود و پیدایی دگرگونیهای اجتماعی بنیادی (انقلابی) را قابل پیش‌بینی می‌سازد.

بحران اجتماعی عمومی ناشی از این است که جامعه، توانایی سازمان‌یابی و حفظ نظم اجتماعی، و نیروی درونی برای حل مسائل مرتبط با تطور و توسعه‌اش را ندارد؛ به عبارت دیگر خود ساخت، بحرانزده است و مسائل اجتماعی چنان گسترده است که نظم اجتماعی موجود را به مخاطره می‌افکند.

اگر نیروی اجتماعی غالب و موافق دگرگونیها باشد و ازطرفی اصلاحات اجتماعی ضروری و لازم بموقع صورت بگیرد، چنین بحرانهای اجتماعی گسترده و عمومی را نیز می‌توان کنترل و هدایت کرد.

بحرانهای اقتصادی و سیاسی انواعی از بحرانهای اجتماعی است که بر اساس اهمیت و آثاری که بر مجموع جامعه می‌گذارد به عمومی و جزئی تقسیم شده است (آراسته خواه، ۱۳۸۱).

### ۳. بحرانهای اجتماعی و مباحث قومی

بحث قابل توجهی از این بحرانهای اجتماعی ناشی از مباحث قومی و نژادی است. اگر بحرانهای اجتماعی در این حوزه مدیریت نشود می‌تواند به بروز بحرانهای سیاسی در حوزه‌های بحران هویت، بحران مشروعیت، بحران مشارکت، بحران توزیع و بحران نفوذ

منجر شود (ساوه درودی و عسکری، ۱۳۹۲).

بازیگران مؤثر در این بحران را می‌توان در گروه‌های چندگانه دولت، معترضان، قربانیان، میانجیگران و حامیان هر یک از آنها در چهار سطح محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی طبقه‌بندی کرد (ناکینی، ۱۳۹۶).

ورود اقوام و فرقه‌های ادیان به‌عنوان بازیگران بحران اجتماعی تابع سیاستهای قومی و ایدئولوژیک تصمیم‌گیرندگان نظام است ذهنیت‌های ناصحیح می‌تواند اقلیتهای قومی و مذهبی را مشغول بحران اجتماعی کند به این معنا که عدالت فقط توزیع عادلانه ثروت و امکانات نیست، بلکه اعطای حقوق برابر به شهروندان یکی از مصداقهای عدالت است. بنابراین هر جامعه‌ای می‌تواند نابرابریهای فراوانی را تحمل کند ولی هرگز ناهمگونیهای بیش از حد را نمی‌تواند تاب آورد (پیغمبردوست، ۱۳۸۸).

در همین راستا نابرابری در فرصتها برای قومیتها و اقلیتهای دینی بیش از نابرابری در منابع و امکانات اهمیت دارد. ایران در ردیف کشورهای در حال گذار با جمعیتی جوان و با ساختار گوناگون و ترکیب جمعیتی متفاوت در این رهگذر با آسیبهایی روبه‌رو است که یکی از آنها بحران اجتماعی است (پورسعید، ۱۳۹۶).

#### ۴. نقاط خطرپذیر اقتصادی

پایگاه اطلاع‌رسانی بیزینس مانیتور به بیان هفت خطر در اقتصاد ایران بعد از تصویب برجام پرداخته است. این خطرها شامل «خطر عملیاتی در ایران، خطر بازار کار، خطر تجارت و سرمایه‌گذاری، خطر صنعت پتروشیمی، خطر جرم و امنیت، خطر لجستیک و خطر کلی از جمله اقتصادی با نماگرهایی نظیر میزان تورم، رشد تولید ناخالص داخلی، تراز حسابهای جاری، قیمت فروش نفت، قیمت ارز، صادرات و واردات» است. براساس این گزارش، رتبه خطر عملیاتی ایران از میان ۱۹ کشور منطقه در جایگاه ۱۴ قرار دارد. عمده‌ترین خطر عملیاتی در ایران، اعمال تحریمهای بین‌المللی علیه کشور است که مانع جریان کالا، فتوری و انتقال پول از ایران به خارج و برعکس شده است. علاوه بر این، ایران از یک‌سو با سطح بالای بیکاری و ازسوی دیگر با کاهش هزینه‌های عمرانی روبه‌رو است که به خروج نیروی کار تحصیلکرده از کشور شده منجر است. ازسوی دیگر، افزایش تحریمهای ظالمانه علیه ایران، خطرهای مربوط به رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری و

تجارت را در ایران افزایش داده است. همچنین رتبه ایران در کسب‌وکار جهانی طی سال ۲۰۱۹ در جایگاه ۱۲۸ بوده که نسبت به سال قبل چهار پله تنزل کرده است که موجب افزایش درجه خطر عملیاتی خواهد شد. از آن‌سو، مجمع جهانی اقتصاد نیز خطرهای مهم اقتصاد ایران را «بحران آب، تورم، تحریم و منازعات سیاسی و منطقه‌ای، عدم توفیق نهادهای مالی و مشکل بیکاری» بیان کرده است. این گزارش نشان می‌دهد، بیشتر خطرهای ایران ناشی از عوامل داخلی است.

بنابراین نباید اوضاع موجود را تنها به روابط بین‌المللی ارتباط داد. تحلیل این داده‌های بین‌المللی نشانگر این است که تا زمانی که سایه تحریمها بر اقتصاد ایران است، نمی‌توان انتظار بهبود خطر را داشت؛ زیرا عوامل کمی اقتصاد کلان شامل «رشد اقتصادی، میزان تورم و قیمت ارز و شاخصهای بدهی خارجی، عمدتاً جذب سرمایه‌گذار خارجی» را کند می‌کند؛ از این‌رو، تصمیم‌گیران و سیاستگذاران باید ابزارهای سیاسی را برای متوقف کردن این روند به منظور بهبود خطر کشور به کار ببندند. در ادامه ۲۲ شاخص اقتصادی در کشور را می‌توان جستجو کرد.

۱. رشد تولید ناخالص داخلی ۲. تولید ناخالص داخلی سرانه دلار آمریکا به قیمت‌های جاری ۳. رشد سرمایه‌گذاری ۴. رشد ارزش افزوده بخش صنعت ۵. صادرات نفت و گاز ۶. صادرات نفتی به قیمت‌های ثابت سال ۷. صادرات غیرنفتی ۸. نسبت صادرات غیر نفتی به کل صادرات کالا ۹. واردات کالا ۱۰. قیمت نفت نسبت به قیمت‌های جاری ۱۱. قیمت نفت به قیمت‌های ثابت ۱۲. جمعیت کل کشور ۱۳. رشد پایه پولی ۱۴. رشد نقدینگی ۱۵. میزان تورم ۱۶. نرخ سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری یک‌ساله ۱۷. قیمت ارز ۱۸. نرخ بیکاری ۱۹. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ۲۰. رشد بهره‌وری کل در کارگاه‌های صنعتی ۲۱. ضریب جینی ۲۲. نسبت هزینه ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین خانوارها (درگاهی ۱۳۹۷).

### ۵. نقاط خطرپذیر فرهنگی

از آنجا که انقلاب اسلامی ایران و نظام آن بر اساس مؤلفه‌های فرهنگی و اعتقادی ایجاد شد، صیانت و حفاظت از ارزشهای فرهنگی در آن بسیار حائز اهمیت است؛ در همین راستا، شناسایی عواملی که فرهنگ کشور را با تهدید روبه‌رو می‌سازد و ارائه



راهکارهایی به‌منظور برونرفت از آنها و تثبیت امنیت فرهنگی در جامعه ضروری به‌نظر می‌آید. بنابراین علاوه بر روشن‌ساختن چستی مفاهیم تهدید فرهنگی و امنیت فرهنگی، بدین سؤال اصلی پاسخ می‌دهیم که دیدگاه امام خمینی(ره) دربارهٔ تهدیدات فرهنگی چیست و ایشان چه راهکارهایی در زمینهٔ تحقق امنیت فرهنگی ارائه کردند؛ بدین‌منظور با بهره‌گیری از نظریه بحران اسپریگنز، روند شکل‌گیری تهدیدات فرهنگی از دید امام خمینی از مرحله مشاهده آغاز، و سپس با شناخت علل بروز تهدیدات از دیدگاه ایشان به ارائه راهکارهای تحقق امنیت فرهنگی پرداخته، و درنهایت ویژگیهای جامعه مطلوب فرهنگی در اندیشه امام ارائه می‌شود.

باتوجه به تهدیدات فرهنگی مشخص‌شده در بیانات و مکاتبات امام خمینی(ره) آنها در شش گروه تهدیدات فرهنگی در حوزه نظام آموزشی، نظام تربیتی، نظام دینی، نظام هویتی، رسانه و سبک زندگی دسته‌بندی، و برای تحقق امنیت فرهنگی در این حوزه‌ها، راهکارهایی ارائه می‌شود.

امام خمینی(ره) از چه روشهایی برای تحقق امنیت فرهنگی بهره می‌گرفتند؟ یافته‌ها حاکی است که اولاً امام خمینی(ره) به مقوله امنیت و ابعاد آن توجه ویژه‌ای کرده‌اند و از آنجا که برای فرهنگ اهمیت زیادی قائل بودند، تقویت فرهنگ و زدودن ناامنی‌ها را از آن طلب می‌کردند و با هشدارها و پیامهای خویش مردم را از تهدیدات فرهنگی آگاه می‌ساختند.

ثانیاً روش امام خمینی(ره) برای مدیریت منازعات فرهنگی و حفاظت از حوزه فرهنگ، تدریجی و در بستر زمان بود که با مشارکت همگانی، آگاهی و ممارست مسئولان در برابر فرهنگهای مهاجم به‌دست می‌آید. ثالثاً روش امنیت‌سازی فرهنگی در سیره عملی و منظومه فکری امام خمینی(ره) شامل پنج مرحله می‌شود؛ به عبارت دیگر، امام خمینی(ره) برای تحقق امنیت فرهنگی، مراحل شناخت و آگاهی از فرهنگ بومی، شناخت فرهنگ وارداتی منحرف، هشدار فرهنگی و آگاهی‌دهی به مردم دربارهٔ تهدیدات فرهنگی، شناخت تهدیدات فرهنگی و ارائه راهبردهایی برای مقاومت فرهنگی را مدنظر داشتند و طبق توالی آنها را اجرایی می‌کردند.

"ایشان تهدیدات فرهنگی را در مواردی همچون تخریب اسلام و نهاد روحانیت، قبضه فرهنگی و بسترسازی برای پذیرش فرهنگ استعماری، فرهنگ دیکته‌شده و جلوگیری از رشد جامعه، ترویج فساد در راستای بی‌اعتناسازی جامعه نسبت به مسائل داخلی، طرح جداسازی فرهنگ از آموزه‌های اسلامی، جلوگیری از تولید شخصیت‌های تحصیلکرده و متفکر، مضمحل کردن نیروی انسانی مولد و تقویت‌کننده فرهنگ، بسترسازی غرب زدگی، اسطوره‌سازی و تخریب چهره‌های بومی - ارزشی و تأثیر فاسدکننده و تخریبی بر لوازم فرهنگی جامعه و غیره می‌دیدند و این راهبردها را عرضه می‌کنند:

اعتمادآفرینی عمومی نسبت به فرهنگ اسلامی، بهره‌گیری از تبلیغات فرهنگی برخاسته از اسلام، لزوم برنامه‌ریزی صحیح و منطبق با موازین اسلامی، خدمتگزاری فرهنگی قوای سه‌گانه، دعوت به معنویات، آموزش صحیح فرهنگ اسلامی به شهروندان جامعه، توسعه و اصلاح مراکز آموزشی و پرورشی، استعانت از رسانه‌های گروهی و سرمایه‌های ملی، دفاع فرهنگی و بازسازی فرهنگ غنی اسلام، همکاری دانشمندان و دیگر اقشار فرهنگی جامعه در جهت مقاومت فرهنگی، گزینش شیوه‌های صحیح فرهنگی و بهره‌گیری از همراهی مردم، تحول فرهنگی و بازپروری فرهنگ بومی، پاسداشت مفاخر ملی و فرهنگی، استقامت و ایستادگی برای حفظ داشته‌های فرهنگی، اجرای صحیح تکالیف فرهنگی، بازگشت به هویت اصیل و بومی، اصلاح امور فرهنگی توسط متولیان فرهنگی، تقویت روحیه مقاومت فرهنگی و درونی‌سازی ایستادگی برابر چپاولگری فرهنگی، تلاش برای استقلال فرهنگی و رهانیدن از فرهنگهای منحط و فاسد، پاکسازی جامعه از مظاهر ضدفرهنگی و ترویج فرهنگ ارزشمند اسلامی" (موسوی و دیگران، ۱۳۹۲).

## ۶. نقاط خطرپذیر امنیتی

هرآنچه به‌صورت عینی یا ذهنی ارزشها و منافع ملی کشور را تهدید کند یا مانعی برای رسیدن کشور به اهدافش باشد، تهدید امنیت ملی به‌شمار می‌رود. این تهدیدات ممکن است سخت، نیمه‌سخت یا نرم باشد. باتوجه به دو رویکرد مطالعات امنیت ملی، تهدیدات را نیز می‌توان ناظر به این دو رویکرد بررسی کرد:

در رویکرد سنتی، که تا چند دهه پیش رویکرد غالب و اصلی مطالعات امنیت ملی

بود، تنها تهدیدات نظامی با خاستگاه خارجی، اصلی‌ترین تهدید امنیت ملی است؛ اما در رویکرد نوین، همان‌گونه که امنیت ملی به چهار بخش تقسیم شد، تهدیدات امنیت ملی نیز به چهار بخش تقسیم‌بندی می‌شود و خاستگاه آنها می‌تواند خارجی یا داخلی باشد.

قبل از اجرای روش فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی با مرور ادبیات حوزه‌های امنیتی مرتبط، برخی شاخصهای مرتبط با تهدیدات امنیت ملی مشخص شد. در ادامه با استفاده از روش کیفی دلفی، از طریق مصاحبه‌های عمیق با خبرگان حوزه امنیت ملی، شاخصهای مرتبط با تهدیدات امنیت ملی با رویکردی حداکثری تکمیل شد. در ابتدا ۸۰ شاخص در حوزه‌های مختلف امنیت ملی مشخص شد که طی مصاحبه‌های دوباره برای رسیدن به وفاق جمعی میان خبرگان، آنها در نهایت ۲۸ شاخص را تأیید کردند.

باتوجه به اینکه تهدیدات امنیت ملی به‌صورت عام می‌تواند هر کشوری را هدف قرار دهد برای مشخص کردن تهدیدات جمهوری اسلامی در برخی موارد از کتابها و مقالات خارجی نیز استفاده شد؛ به‌این‌ترتیب، تهدیدات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به تهدیدات نظامی - اطلاعاتی؛ تهدیدات اقتصادی - اداری؛ تهدیدات فرهنگی - سیاسی؛ تهدیدات منابع - محیطی تقسیم می‌شود (صالح نیا و بختیاری، ۱۳۹۷).

### حوادث طبیعی در استان خوزستان

استان خوزستان با مساحتی حدود ۶۴۰۰۰ کیلومتر مربع و چهار درصد وسعت کشور، وسیعترین استان در بخش غربی ایران بین ۲۹ درجه و ۵۸ دقیقه تا ۳۲ درجه و ۵ عرض شمالی از خط استوا و ۴۷ درجه و ۴۱ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۳۹ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ در جنوب غربی ایران و شمال خلیج فارس قرار دارد. این استان از غرب با کشور عراق هم مرز و در همسایگی استانهای بوشهر، کهگلویه و بویر احمد، چهارمحال بختیاری، لرستان و ایلام قرار دارد (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۵).

سراسر بخش شرقی و شمالی به طول ۳۰۰ کیلومتر به جنوب شرقی استان حدود ۴۰٪ کوهستانی و حدود ۶۰٪ سرزمینهای پست و هموار، شامل دشتها و جلگه‌ها است. خوزستان به مرکزیت شهر اهواز، ۲۰ شهرستان، ۴۶ بخش، ۴۷ شهر و ۱۲۴ دهستان دارد. در استان خوزستان با توجه به وسعت، تراکم جمعیت و صنایع گوناگون سه نوع آلودگی

آب، خاک و هوا وجود دارد که به سه دسته، صنعتی، کشاورزی و شهری تقسیم می‌شود (مداری، ۱۳۸۸).

مخاطرات طبیعی استان: امروزه در جهان بیش از ۴۰ نوع مخاطره طبیعی شناخته شده است که در ایران ۳۱ نوع و در خوزستان ۲۱ نوع از آنها وجود دارد. بلایایی که در خوزستان به‌وقوع می‌پیوندد و یا احتمال وقوع آنها وجود دارد عبارت است از: سیل، زلزله، صاعقه، طوفان، زمین‌لغزش، خشکسالی، سرمازدگی، فرسایش خاک، دگرشکلی سواحل، آفات و بیماریهای نباتی، خودسوزی جنگلها، آلودگی آب و محیط، نفوذ و پیشروی آب دریا، رسوبیابی، نوسانات زمین، ریزشهای جوی (باران، برف و تگرگ) سنگ ریزش، روانه‌های گلی، روان‌گرایی، ریزشهای کارستی، نشست‌های زمین در نواحی استخراج مواد (داودی نژاد، ۱۳۸۶).

در جدول ۱ درصد خسارات ناشی از انواع حوادث طبیعی در استان خوزستان آمده است.

جدول ۱. خسارات ناشی از انواع بلایای طبیعی در استان خوزستان ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۵

عامل خسارت	سیل	خشکسالی	سرمازدگی و یخبندان	توفان	صاعقه	تگرگ	آفات و امراض	زلزله	دیگر عوامل
درصد	۸۰	۸	۵	۲	۵.۱	۱	۲.۰	۱.۰	۲.۲

(استانداری خوزستان، ۱۳۸۹)

جدول ۲. ویژگیهای رودخانه‌های مهم استان خوزستان

نام رودخانه	طول رودخانه در استان (کیلومتر)	حداکثر دبی (مترمکعب بر ثانیه)	سرچشمه	محل ختم
کارون	۷۱۱	۶۷۰۴	یاسوج، بروجن، شهرکرد	خلیج فارس
دز	۲۸۵	۳۸۹۳	بروجن، درود، الیگودرز	کارون
کرخه	۳۵۵	۵۲۲۲	ملایر، کرمانشاه، خرم‌آباد	هورالعظیم
مارون	۳۰۰	۵۳۶۰	قلعه ویس، لنده، ایدنک	هور شادگان
زهره	۲۷۰	۲۹۰۸	اردکان، باشت، دهدشت	خلیج فارس

(استانداری خوزستان، ۱۳۸۹)

جدول ۳. آمار فراوانی و خسارت سیل طی ۴۵ سال در استان خوزستان

شهر	تعداد سیلاب	تلفات (نفر)	تخریب خانه (باب)	خسارت کشاورزی (هکتار)	تلفات دام (رأس)	تخریب راه (کیلومتر)	تخریب تأسیسات
اهواز	۵۴	۱۱۰	۱۶۴۱۵	۵۸۱۰۰	۲۵۸۳۰	۲۳	۳۳
دشت آزادگان	۳۳	-	۱۳۷۰	۳۱۰۲۲	۴۰۲۰	۵۵	۱
ایذه	۳۲	۵۳	۶۲۲	۵۰	۱۰۰	۱۲	۱۹
مسجد سلیمان	۲۷	۱۹	۷۳۵	۲۴۳۱	۲۷۶۰	۱۸۴	۶۷
رامهرمز	۲۶	۳۷	۴۳۵۰	۸۸۰۲۴	۷۹۴۵	۶۵۷	-
ماهشهر	۲۴	۱۴	۱۱۵۲	۲۵۴۵۳	۸۸۸۰	۵۳	۱۱
اندیمشک	۲۰	۲	۳۰	۴۴۰۰	۳۲۰	-	۱
بهبهان	۲۰	۱۷	۴۱۶	۳۴۸۵	۷۲۰	۲۸	۱۵
دزفول	۲۰	۱	-	-	-	-	۱
شادگان	۱۹	۴	۸۰	۱۰۳۵	۴۰۰۰	۸۴	۷
آبادان	۱۴	۷	۱۰	۱۰	۱۶۰	-	۱
خرمشهر	۱۲	-	۵۸۸	۲۵۰۵	-	-	۱
شوشتر	۱۰	۴	۴۸۰	-	۵۰۰	-	-
شوش	۱۰	۱۹	۵۶۰	-	۱۴۰۰	-	-
باغملک	۱۰	-	-	۲۴۵۰	-	-	۴

(استانداری خوزستان، ۱۳۸۹)

جدول ۴ نشاندهنده مقدار خسارت وارد شده بر میگوی نوع چوبیده در شهرستان آبادان از استان خوزستان در اثر سرمازدگی در سال ۱۳۸۲ است.

جدول ۴. مقدار خسارات وارد شده بر تولید میگوی چوبیده آبادان در اثر یخ زدگی

سطح مفید زیر کشت	۹۳۳/۱۵ هکتار	سطح زیر کشت خسارت دیده	۴۹۸/۷۸ هکتار
تعداد مزارع فعال	۷۴ مزرعه	تعداد مزارع فعال خسارت دیده	۶۲ مزرعه
کل تولید میگو سال ۱۳۸۰	۲/۰۲۱/۸۲۶ کیلوگرم	مقدار میگوی خسارت دیده	۸۷۹/۵۲۳ کیلوگرم
میگوی سالم برداشت و صادر شده	۱/۱۴۲/۳۰۲ کیلوگرم		

(استانداری خوزستان، ۱۳۸۲)

در جدول ۵ وقوع و محل مهمترین زلزله‌های استان خوزستان در دهه‌های اخیر آمده است.

جدول ۵. وقوع و محل بعضی از زلزله‌های استان

سال وقوع زلزله	محل وقوع زلزله	بزرگی به ریشتر
۲۲۵ هـ ق	اهواز	۸/۵
۲۴۵ هـ ق	بهبهان - ایذه	۸/۶
۴۷۸ هـ ق	بهبهان	۸/۵
۱۳۴۸ هـ ش	شوشتر	۵
۱۳۵۱ هـ ش	بهبهان	۲/۵
۱۳۵۳ هـ ش	اهواز	۲/۵
۱۳۶۷ هـ ش	بهبهان	۷/۵
۱۳۷۱ هـ ش	بهبهان	۱/۵
۱۳۸۱ هـ ش	مسجد سلیمان	۸/۴
۱۳۸۲ هـ ش	مسجد سلیمان	۹/۴
۱۳۸۳ هـ ش	شوشتر	۹/۳

(استانداری خوزستان، ۱۳۸۹)

در جدول ۶ می‌توان آثار و پیامد ناشی از ریزگرد را در بخش محیط زیست استان خوزستان ملاحظه کرد.

جدول ۶. آثار و پیامد گرد و غبار در بخش محیط زیست در سالهای ۸۰ - ۸۹

سال	تعداد وقوع روز	میانگین حداکثر غلظت (میکروگرم بر مترمکعب)	حداکثر ساعت پایداری پدیده	تعداد لغو پروازها	تعداد تعطیلی مدارس (روز)	تعداد تعطیلی ادارات (روز)	شدت آلودگی مقایسه با حد مجاز
۱۳۸۰	۶	۲۲۰۰	۴۸	۴	۱	-	۱۴/۶ برابر
۱۳۸۱	۱۰	۳۰۴۰	۴۸	۲	۱	-	۲۰/۲ برابر
۱۳۸۲	۱۱	۳۶۰۰	۴۰	۳	-	-	۲۴ برابر
۱۳۸۳	۹	۳۴۴۰	۳۶	۳	-	-	۲۲/۹ برابر
۱۳۸۴	۱۲	۳۸۶۰	۶۰	-	-	-	۲۵/۷ برابر

سال	تعداد وقوع روز	میانگین حداکثر غلظت (میکروگرم بر مترمکعب)	حداکثر ساعت پایداری پدیده	تعداد لغو پروازها	تعطیلی مدارس (روز)	تعطیلی ادارات (روز)	شدت آلودگی مقایسه با حد مجاز
۱۳۸۵	۱۹	۳۶۶۰	۱۲۰	۳	-	-	۲۴/۴ برابر
۱۳۸۶	۳۲	۸۳۶۰	۸۴	۴۷	۳	۱	۵۵/۷ برابر
۱۳۸۷	۵۹	۸۸۶۰	۲۴۰	۲۳۲	۵	۱	۵۹ برابر
۱۳۸۸	۷۲	۶۹۰۰	۱۴۴	۲۱۰	۴	۲	۴۶ برابر
۱۳۸۹	۴۳	بیش از ۱۰۰۰۰	۷۸	۳۵	۲	۲	۶۶/۶ برابر
جمع	۲۷۳			۵۰۴	۱۶	۰	

(استانداردی خوزستان، ۱۳۸۹)

### بررسی ویژگی جمعیت‌شناسی پاسخگویان

از شاخصهای آمار توصیفی برای بررسی ویژگی دموگرافیک پاسخ‌دهندگان استفاده شده است. فراوانی پاسخ‌دهندگان بر اساس جنسیت، سن، میزان تحصیلات مورد بررسی قرار گرفته، و نمودارهای مربوط ترسیم شده است.

جدول ۷. توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان بر اساس جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد	تجمعی
مرد	۱۷۶	٪۴۸/۸	٪۴۵/۸
زن	۲۰۸	٪۵۴/۲	٪۱۰۰
کل	۳۸۴	٪۱۰۰	

در جدول ۸ اطلاعات توصیفی مربوط به سن پاسخ‌دهندگان ارائه شده است. ۷۸ نفر یعنی ۲۰/۳٪ افراد بین ۳۵ تا ۴۰ سال دارند که بیشترین فراوانی را داراست. ۹ نفر یعنی ۲/۳٪ افراد بین ۶۵ تا ۷۰ سال دارند که کمترین فراوانی را داراست. مشخص است که بیشتر پاسخ‌دهندگان در بازه ۲۰ تا ۴۵ سال هستند.

جدول ۸. فراوانی پاسخ‌دهندگان بر اساس سن

سن	فراوانی	درصد	تجمعی
۱۵ تا ۲۰	۱۴	٪۳/۶	٪۳/۶
۲۰ تا ۲۵	۵۶	٪۱۴/۶	٪۱۸/۲
۲۵ تا ۳۰	۵۴	٪۱۴/۱	٪۳۲/۳
۳۰ تا ۳۵	۶۶	٪۱۷/۲	٪۴۹/۵
۳۵ تا ۴۰	۷۸	٪۲۰/۳	٪۶۹/۸
۴۰ تا ۴۵	۴۳	٪۱۱/۲	٪۸۱/۰
۴۵ تا ۵۰	۱۷	٪۴/۴	٪۸۵/۴
۵۰ تا ۵۵	۱۵	٪۳/۹	٪۸۹/۳
۵۵ تا ۶۰	۲۰	٪۵/۲	٪۹۴/۵
۶۰ تا ۶۵	۱۲	٪۳/۱	٪۹۷/۷
۶۵ تا ۷۰	۹	٪۲/۳	٪۱۰۰/۰
کل	۳۸۴	٪۱۰۰/۰	

۵ نفر معادل ۱/۳٪ از پاسخ‌دهندگان بیسواد هستند که کمترین فراوانی را داراست. ۱۵۰ نفر معادل ۳۹/۱٪ از پاسخ‌دهندگان دیپلم دارند که بیشترین فراوانی را داراست. مشخص است که بیشتر پاسخ‌دهندگان مدرک دیپلم و کارشناسی دارند. در جدول ۹ فراوانی پاسخ‌دهندگان بر اساس تحصیلات مشاهده می‌شود:

جدول ۹. فراوانی پاسخ‌دهندگان بر اساس تحصیلات

تحصیلات	فراوانی	درصد	تجمعی
بیسواد	۵	٪۱/۳	٪۱/۳
دبستان	۲۶	٪۶/۸	٪۸/۱
راهنمایی	۲۰	٪۵/۲	٪۱۳/۳
دیپلم	۱۵۰	٪۳۹/۱	٪۵۲/۳
کارشناسی	۱۴۷	٪۳۸/۳	٪۹۰/۶
ارشد	۲۹	٪۷/۶	٪۹۸/۲
دکتری	۷	٪۱/۸	٪۱۰۰/۰
کل	۳۸۴	٪۱۰۰/۰	

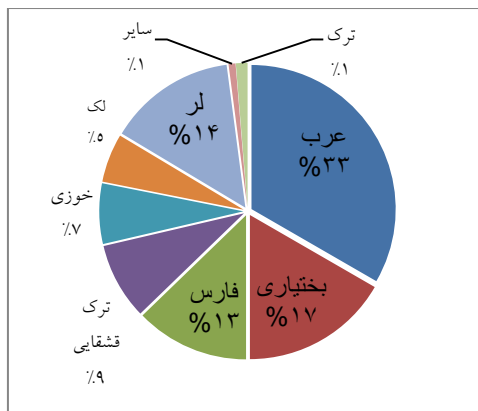


۱۲ نفر معادل ۳/۱٪ از پاسخ‌دهندگان درآمد بیشتر از ۵ میلیون تومان دارند که کمترین فراوانی را داراست. ۱۳۷ نفر معادل ۳۵/۷٪ از پاسخ‌دهندگان درآمد ۱ تا ۲ میلیون تومان دارند که بیشترین فراوانی را داراست. مشخص است که بیشتر پاسخ‌دهندگان درآمد ۱ تا ۳ میلیون تومان دارند. در جدول شماره ۱۰ فراوانی پاسخ‌دهندگان بر اساس درآمد قابل ملاحظه است.

جدول ۱۰. فراوانی پاسخ‌دهندگان بر اساس درآمد

درآمد	فراوانی	درصد	تجمعی
۱ تا ۵۰۰ میلیون	۲۶	۶/۸٪	۶/۸٪
۱ تا ۲ میلیون	۱۳۲	۳۴/۴٪	۴۱/۱٪
۲ تا ۳ میلیون	۱۳۷	۳۵/۷٪	۷۶/۸٪
۳ تا ۴ میلیون	۵۲	۱۳/۵٪	۹۰/۴٪
۴ تا ۵ میلیون	۲۵	۶/۵٪	۹۶/۹٪
بیشتر از ۵ میلیون	۱۲	۳/۱٪	۱۰۰/۰٪
کل	۳۸۴	۱۰۰/۰٪	

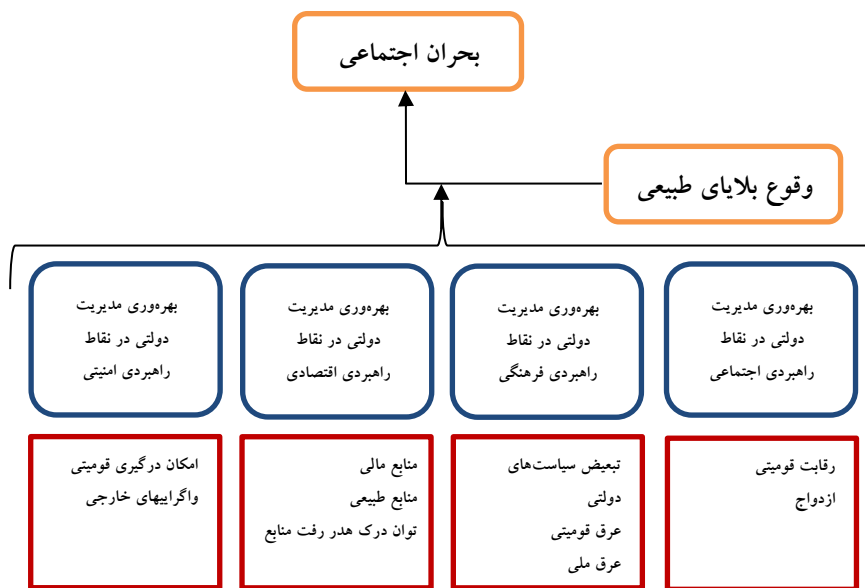
در نمودار ذیل درصد شرکت‌کنندگان از قومیت‌های مختلف در پرسشنامه قابل ملاحظه است.



نمودار ۱. درصد قومیت‌های پاسخ‌دهنده به پرسشنامه

## متغیرها و الگوی تحقیق

در این مطالعه یک متغیر وابسته وجود دارد: بحرانهای اجتماعی. چهار متغیر مستقل: ۱. بهره‌وری مدیریت دولتی در نقاط راهبردی اجتماعی ۲. بهره‌وری مدیریت دولتی در نقاط راهبردی اقتصادی ۳. بهره‌وری مدیریت دولتی در نقاط راهبردی فرهنگی ۴. بهره‌وری مدیریت دولتی در نقاط راهبردی امنیتی که در الگوی مفهومی ذیل ارائه شده است:



شکل ۱. الگوی مفهومی تحقیق: متغیرهای وابسته و مستقل

جدول ۱۱ که از الگوی مفهومی محقق استخراج شده است، ابعاد و تعداد گویه‌های زیر را دارد و متغیرهای مستقل و وابسته را گزارش می‌کند.

جدول ۱۱. متغیرها و تعداد گویه‌های آن

ابعاد	گویه
بهره‌وری اقتصادی	۳
بهره‌وری اجتماعی	۲
بهره‌وری امنیتی	۲
بهره‌وری فرهنگی	۳
بحران اجتماعی	۴

### تحلیل و اثبات فرضیات

ضرایب رگرسیونی و معناداری تحقیق، مطابق جدول محاسبه می‌شود. جدول ۱۲ خلاصه الگوی شدت اثر بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته را گزارش می‌کند.

جدول ۱۲. ضرایب رگرسیونی و معناداری تحقیق

متغیر مستقل	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد	آماره t	سطح معناداری
	B	خطای استاندارد			
مقدار ثابت	۶/۸۵۴	.161		۴۲/۴۴۴	.000
بهره‌وری اقتصادی	-.518	.060	-.270	-624/8	.000
بهره‌وری اجتماعی	-.523	.031	-.536	-126/17	.000
بهره‌وری امنیتی	-.534	.053	-.317	-080/10	.000
بهره‌وری فرهنگی	-.451	.040	-.350	-229/11	.000

در جدول ۱۲ ضریب بتا و مقدار استاندارد شده ضرایب نشان‌دهنده میزان تغییر در متغیر وابسته به ازای تغییری به اندازه یک انحراف معیار در متغیر است که هرچه قدر مطلق آن بزرگتر باشد، رابطه قویتر متغیر وابسته و متغیر مستقل را نشان می‌دهد.

فرضیه اول: ارتباط مستقیم بهره‌وری مدیریت بحران در نقاط خطرپذیر اجتماعی پیش از وقوع بلایای طبیعی در میزان بحرانهای اجتماعی و تعداد تنشهای قومیتی در استان خوزستان وجود دارد. در جدول ۱۲ مشاهده می‌شود ضریب تأثیر متغیر مستقل بهره‌وری مدیریت دولتی در نقاط راهبردی اجتماعی بر متغیر وابسته بحران اجتماعی برابر ۰/۵۳۶-

محاسبه شده و آماره تی آزمون نیز  $17/126$  - به دست آمده است که از مقدار بحرانی  $t$  در سطح خطای  $5\%$  یعنی  $1/96$  بزرگتر است و نشان می‌دهد ضریب بتای مشاهده شده معنی‌دار است. مقدار معناداری  $0/000$  نیز از سطح خطای  $0/05$  کوچکتر است که نشان از معناداری ضریب است. بنابراین می‌توان گفت با احتمال  $95\%$  ارتباط مستقیم بهره‌وری مدیریت بحران در نقاط خطرپذیر اجتماعی پیش از وقوع بلایای طبیعی در تعداد تنشهای قومیتی در استان خوزستان وجود دارد و فرضیه اول تأیید می‌شود. علامت منفی ضریب، نشان‌دهنده این است که افزایش بهره‌وری مدیریت بحران در نقاط خطرپذیر اجتماعی پیش از وقوع بلایای طبیعی باعث کاهش تعداد تنشهای قومیتی خواهد شد.

فرضیه دوم: ارتباط مستقیم بهره‌وری مدیریت بحران در نقاط خطرپذیر اقتصادی پیش از وقوع بلایای طبیعی در میزان بحرانهای اجتماعی در استان خوزستان وجود دارد. در جدول ۱۲ مشاهده می‌شود ضریب تأثیر متغیر مستقل بهره‌وری مدیریت دولتی در نقاط راهبردی اقتصادی بر متغیر وابسته بحران اجتماعی برابر  $0/270$  - محاسبه شده است. آماره تی آزمون نیز  $8/624$  - به دست آمده که بزرگتر از مقدار بحرانی  $t$  در سطح خطای  $5\%$  یعنی  $1/96$  بزرگتر است و نشان می‌دهد ضریب بتای مشاهده شده معنی‌دار است. مقدار معناداری  $0/000$  نیز از سطح خطای  $0/05$  کوچکتر است که نشان از معناداری ضریب است. بنابراین می‌توان گفت با احتمال  $95\%$  ارتباط مستقیم بهره‌وری مدیریت بحران در نقاط خطرپذیر اقتصادی پیش از وقوع بلایای طبیعی در تعداد تنشهای قومیتی در استان خوزستان وجود دارد و فرضیه دوم تأیید می‌شود. علامت منفی ضریب، نشان‌دهنده این است که افزایش بهره‌وری مدیریت بحران در نقاط خطرپذیر اقتصادی پیش از وقوع بلایای طبیعی باعث کاهش تعداد تنشهای قومیتی خواهد شد.

فرضیه سوم: ارتباط مستقیم بهره‌وری مدیریت بحران در نقاط خطرپذیر فرهنگی پیش از وقوع بلایای طبیعی در میزان بحرانهای اجتماعی و تعداد تنشهای قومیتی در استان خوزستان وجود دارد. در جدول ۱۲ مشاهده می‌گردد ضریب تأثیر متغیر مستقل بهره‌وری مدیریت دولتی در نقاط راهبردی فرهنگی بر متغیر وابسته بحران اجتماعی برابر  $0/350$  - محاسبه شده است. آماره تی آزمون نیز  $11/229$  - به دست آمده که از مقدار بحرانی  $t$  در

سطح خطای ۵٪ یعنی ۱/۹۶ بزرگتر است و نشان می‌دهد ضریب بتای مشاهده شده معنی‌دار است. مقدار معناداری ۰/۰۰۰ نیز از سطح خطای ۰/۰۵ کوچکتر است که نشان از معناداری ضریب است. بنابراین می‌توان گفت با احتمال ۹۵٪ ارتباط مستقیم بهره‌وری مدیریت بحران در نقاط خطرپذیر فرهنگی پیش از وقوع بلایای طبیعی در تعداد تنشهای قومیتی در استان خوزستان وجود دارد و فرضیه سوم تأیید می‌شود. علامت منفی ضریب، نشان‌دهنده این است که افزایش بهره‌وری مدیریت بحران در نقاط خطرپذیر فرهنگی پیش از وقوع بلایای طبیعی باعث کاهش تعداد تنشهای قومیتی خواهد شد.

فرضیه چهارم: ارتباط مستقیم بهره‌وری مدیریت بحران در نقاط خطرپذیر امنیتی پیش از وقوع بلایای طبیعی در میزان بحرانهای اجتماعی و تعداد تنشهای قومیتی در استان خوزستان وجود دارد. در جدول ۱۲ مشاهده می‌شود ضریب تأثیر متغیر مستقل بهره‌وری مدیریت دولتی در نقاط راهبردی امنیتی بر متغیر وابسته بحران اجتماعی برابر ۰/۳۱۷- محاسبه شده است. آماره تی آزمون نیز ۱۰/۰۸۰- به دست آمده که از مقدار بحرانی  $t$  در سطح خطای ۵٪ یعنی ۱/۹۶ بزرگتر است و نشان می‌دهد ضریب بتای مشاهده شده معنی‌دار است و مقدار معناداری ۰/۰۰۰ نیز از سطح خطای ۰/۰۵ کوچکتر است که نشان از معناداری ضریب است. بنابراین می‌توان گفت با احتمال ۹۵٪ ارتباط مستقیم بهره‌وری مدیریت بحران در نقاط خطرپذیر امنیتی پیش از وقوع بلایای طبیعی در تعداد تنشهای قومیتی در استان خوزستان وجود دارد و فرضیه اول تأیید می‌شود. علامت منفی ضریب، نشان‌دهنده این است که افزایش بهره‌وری مدیریت بحران در نقاط خطرپذیر امنیتی پیش از وقوع بلایای طبیعی باعث کاهش تعداد تنشهای قومیتی خواهد شد.

### بحث و نتایج (بر پایه تحلیل و داده‌کاوی کیفی و کمی مصاحبه و پرسشنامه)

همان‌طور که بررسی شد حادثه طبیعی سیل شایعترین خطر در استان خوزستان است که مطابق با آمارهای رسمی در دهه‌های گذشته تا اکنون نسبت به دیگر خطرهای بیشترین خسارات را برجای گذاشته است. البته استان خوزستان در تنوع مخاطرات طبیعی نیز مورد توجه است. بعد از سیل می‌توان به خشکسالی، یخزدگی، طوفان، ریزگرد، صاعقه، لغزش

زمین، آتش سوزی (جنگلها) و آفات اشاره کرد.

تنوع بسیار در بلایای طبیعی و تعداد زیاد این خطرها به دلیل ویژگیهای جغرافیایی منحصر به فرد این استان است. موقعیت مجاورت با دریا (آبهای آزاد)، وجود بیشترین رودخانه از حیث گنجایش انتقال آب و از حیث طول رودخانه، وجود صحرا، ارتفاعات بیش از ۳۰۰۰ متر، موقعیت مرزی استان خوزستان، بیشترین میزان زمین تحت کشت در کشور، اختلافات آب و هوایی محسوس، وجود چندین گسل زمین، مجاورت با مناطق کویری بدون پوشش و بیابانزا و دیگر عوامل از مهمترین علل وقوع بلایای طبیعی در استان خوزستان است.

به یقین اختلافات و درگیریهای قومیتی و هم‌چنین در داخل هر قومیت، مهمترین و خطرپذیرترین بحران اجتماعی در این استان است.

بحرانهای اجتماعی خود مولد دیگر بحرانها و تهدیدات به‌شمار می‌آید. مهمترین عامل را در زمینه بحرانهای اجتماعی باید ناکارآمدی مدیریت دولت دانست. چیزی که امروز در خوزستان یافت می‌شود، منابع طبیعی و ذخایر نفت و گاز بسیار در کنار فقر شدید مردم این منطقه است.

میزان نارضایتی مردم نسبت به حکومت در سطح بسیار زیادی است. در حوادث آبان ۱۳۹۸، استان خوزستان مرکز توجه رسانه‌های دشمن و معاند خارجی بود. حجم اعتراضات مردمی در مقایسه با دیگر استانها جدی‌تر و در مرحله امنیتی اقدامات گروه‌های مسلح ضد حکومتی طی سالهای بعد از دفاع مقدس بی‌سابقه بود؛ به‌عنوان مثال می‌توان به حادثه بندر ماهشهر در آبان ۱۳۹۸، اشاره کرد؛ جایی که با نهایت خویشتن‌داری نظام همراه بود؛ اما نهایتاً در جواب هدفگیری مراکز حساس و مهم استان ازسوی گروه‌های مسلح وابسته به کشورهای مرتجع عربی (و درواقع استکبار جهانی) برخورد مسلحانه روی داد و بیشترین تلفات در این سال پر هیاهو متعلق به همین استان است.

قومیت عرب به نسبت دیگر قومیتها جمعیت بیشتری را در استان خوزستان دارد. درگیریهای داخلی طوایف عرب از یک‌سو و ازسوی دیگر اختلافات قدیمی آنان با مردم فارس (یا همان خوزی) و لرها (بختیاری بهمنی و...) موجب شده است این قومیت

بیشترین توجه را از سوی دشمنان نظام و کشور و در عین حال نهادهای امنیتی و انتظامی کشور به خود اختصاص دهد؛ در عین حال نباید فراموش کرد بحران اجتماعی این قومیت ناشی از فقر و عدم رسیدگی و سوء مدیریت دولتی در مناطق عرب‌نشین است.

در مصاحبه‌ها و بررسیهایی که انجام شد، یکی از مواردی که مورد شکایت و اعتراض مردم عرب‌زبان استان خوزستان است، این است که آنها معترض هستند که چرا همیشه مسولان امنیتی و انتظامی استان باید از غیر قومیت عرب باشد و این مسئله را بی‌اعتمادی حکومت به خودشان تفسیر می‌کنند.

باید توجه کرد بیشترین سطح کشاورزی در استان خوزستان متعلق به قومیت فارس و سپس لر و هم‌چنین بیشترین تعداد دامداری و دامپروری متعلق به بختیاریهاست؛ در عین حال مراکز نفتی در مناطق عرب‌نشین است.

در پرسشنامه‌ای که طراحی شد ۱۶ سؤال به صورت لیکرت<sup>۱</sup> مورد بررسی قرار گرفت و سه سؤال به صورت پنج‌گزینه‌ای بود که نتایج آنها مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد. با ده نفر از نخبگان، نیروهای انتظامی و هم‌چنین جوانان تحصیلکرده مصاحبه انجام شد.

در نتایج مصاحبه باید گفت مهمترین بحران اجتماعی در استان خوزستان، که در بعد دیگر خود بحرانی امنیتی نیز تلقی می‌شود، مبحث خلق عرب و ناسیونالیسم بختیاری است! هم‌چنین در مرتبه دوم با اختلافی اندک از منازعات قومیتی، اختلاف شدید طبقاتی و فقر برداشت می‌شود.

وهابیت در برخی از نقاط خوزستان جا باز کرده است. باید دانست که تنها نقطه‌ای در جهان، که مردمی شیعه‌مذهب به فرقه وهابیت پیوسته‌اند، استان خوزستان است و این در نتیجه سوء استفاده رهبران امنیتی و نهضتی وهابیت از فقر و تعصبات شدید قومی مردم عرب و غفلت مسولان و کم‌توجهی کارگزاران امنیتی و فرهنگی در کشور بویژه در استان خوزستان است.

در استان خوزستان به دلیل وجود شرکت‌های متعدد صنعت نفت و پتروشیمی و هم‌چنین فولاد و کارخانه‌های متعدد، اغلب نیروهای متخصص کاری و مدیران ارشد این مراکز از

1. Likert Scale

استانهای غیر از خوزستان هستند و حقوق و مزایای بسیار متفاوت و قدرت خرید بسیار بیشتر نسبت به مردم استان دارند؛ این مورد نوعاً به اختلاف طبقاتی و نارضایتی اجتماعی مردم خوزستان منجر شده است.

بحران اجتماعی بسیار خطرناک و پررنگ دیگر در مناطق مختلف خوزستان فقر و فحشا است. پوشش‌های نامتعارف غربی، که در برخی محله‌های تهران دیده می‌شود به همان الگو در برخی مناطق و شهرهای استان خوزستان نیز به فراوانی یافت می‌شود.

در مصاحبه با یکی از روحانیون خوزستانی، که مسئولیت فرهنگی دارد، این‌گونه استنتاج شد که آمار فحشا و روابط غیر شرعی و غیر قانونی در خوزستان بیداد می‌کند که عمدتاً بر اساس فقر و تن‌فروشی ناشی از درماندگی است.

اعتیاد و بزهکاری جوانان باتوجه به عدم اشتغال درصد قابل ملاحظه‌ای از جوانان استان خوزستان، حاکی از بحران اجتماعی و فرهنگی بسیار خطرناک است.

از اطلاعات پرسشنامه‌ها تحلیل می‌شود که ۳۴/۴٪ از مردم این استان درآمدی کمتر از دو میلیون تومان دارند! در استان خوزستان به فراوانی می‌توان اشخاص تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) را یافت.

همگرایی خارجی، که عمدتاً از تحریک و پشتیبانی گروه‌های امنیتی و تروریستی خارجی بویژه برگرفته از کشورهای عرب متخاصم است، یکی از بحران‌آفرینان اجتماعی و امنیتی در استان است.

از نتایج پرسشنامه (سه سؤال پنج‌گزینه‌ای) این‌گونه نتیجه گرفته می‌شود که فقر (۳۶٪) پررنگترین بحران اجتماعی یا بحران‌آفرین اجتماعی است و بعد از آن اختلافات قومیتی (۳۲٪) و سپس اعتیاد (۲۰٪)، طلاق (۸٪) و مهاجرت به شهرها (۴٪). البته این عددها در مصاحبه قدری متفاوت بود و توجه بیشتری از سوی مصاحبه‌شوندگان نسبت به اختلافات قومیتی وجود دارد.

صدرنشینی دو عامل «فقر و محرومیت» و «رقابت یا اختلافات قومیتی» مطلبی است که از زبان پرسش‌شوندگان نتیجه گرفته می‌شود که عموم مردم، و مصاحبه‌شوندگان که خواص هستند.



طبیعی است در نگاه عموم مردم، مباحث زیستی و غیر راهبردی با اهمیت‌تر از دیگران است؛ اما در دیدگاه متخصصان (مصاحبه‌شوندگان) توجه به مباحث راهبردی اهمیت بیشتری دارد.

درباره مهم‌ترین حوادث طبیعی در سه سؤال چندگزینه‌ای پرسشنامه، بیشترین پاسخ به زلزله مربوط بوده است. ۴۲٪ زلزله را برای خلق یا تشدید بحرانهای اجتماعی، ۳۴٪ سیل، ۱۲٪ ریزگرد، ۸٪ طوفان و ۴٪ آفات را عنوان کرده‌اند. به نظر می‌رسد با توجه به ناگهانی بودن زلزله و ایجاد رعب و وحشت بیشتر، پاسخ شرکت‌کنندگان بر این اساس بوده است؛ اما در مصاحبه‌هایی که انجام شد، سیل را با توجه به شیوع زیاد و رودخانه‌های طغیانگر استان، مهم‌ترین علت وقوع بحرانهای اجتماعی ناشی از حوادث طبیعی قلمداد کردند.

در اینجا نیز اختلاف اندک سیل و زلزله را شاهد هستیم. البته آمارهای رسمی نشانگر این است که سیل بیشترین وقوع و بیشترین خسارات را در میان حوادث طبیعی در استان خوزستان داشته است.

درباره ریزگردها تحلیل می‌شود که نوعاً از عادات مردم استان شده است! و بویژه در فصل تابستان، که اوج وقوع پدیده ریزگرد است، مردم استان با آن بناچار کنار آمده‌اند. باید گفت این کنارآمدن ناشی از این است که می‌دانند مطالبه بخصوصی از دولت و مدیریت دولتی نمی‌توان داشت؛ زیرا این پدیده ذاتاً از طبیعت مناطق خارجی همجوار استان است؛ اما درباره سیل و زلزله با توجه به آمار تلفات جانی و مالی بیشتر و رعب و وحشت دوچندان، دولت و مدیریت کارآمد دولتی را در مدیریت بحران بویژه قبل از وقوع بحران مهم می‌دانند و در این زمینه مطالبه‌گر هستند.

مصاحبه‌شوندگان به زیرساختهای ضعیف در استان خوزستان اشاره کردند. باید گفت اگر زلزله‌ای با قدرت نسبتاً زیاد در این استان رخ دهد با توجه به بناهای قدیمی و استحکامات ضعیف، یقیناً تلفات زیادی از حیث جانی و مالی خواهد داشت! ساخت‌وساز غیر قانونی در جنب و حواشی رودخانه‌ها از جمله امکانهای بحران‌آفرین در این استان است که حاکی از عدم نظارت و سوء مدیریت برخی از مسولان نظارتی استان است. این

ساخت‌وسازها در مناطق حاشیه شهرها و هم‌چنین مناطق زراعتی نیز به فراوانی وجود دارد. در مصاحبه با یکی از عوامل انتظامی در استان این مطلب به‌دست آمد که به‌عنوان مثال در سال ۱۳۸۱ درگیریهای مسلحانه میان عناصر بسیج و سپاه و ازسوی دیگر اغتشاشگران برخی از عشایر رخ داد که به‌صورت غیر قانونی زمین و ملک غصب کرده بودند. این حادثه در مناطق کوت عبدالله و جنگیه رخ داده و قبل و بعد از آن نیز بارها مشابه آن وجود داشته است.

اختلافات قدیمی بر سر زمینها همچنان ادامه دارد. مرزبندیهای خطرپذیری در استان خوزستان وجود دارد؛ گویی از کشور عرب‌نشین به کشور بختیاری‌نشین ورود و خروج صورت می‌گیرد!

عدم مدیریت صحیح ثبت اسناد و برخوردهای سلیقگی و هم‌چنین با تأسف بسیار رایج‌بودن راه‌های غیر قانونی (مانند رشوه) برای ثبت اسناد زمین و یا تغییر کاربریهای زمین از مواردی است که متخصصان دلسوز استان بیان می‌کنند.

هم‌چنین باید توجه کرد این موضوع بشدت فرهنگی نیز هست و بازهم رد پای رقابتهای قومیتی در آن یافت می‌شود؛ چرا که یکی از مهمترین علل اختلافات قومیتی را مردم استان، زمین (۲۶٪) می‌دانند.

زمین‌های غنی استان نه فقط در خوزستان بلکه به‌نوعی در ایران نیز بسیار باارزش و بااهمیت به‌شمار می‌رود. خوزستان سرشار از آب شیرین و چراگاه‌های دام است! کمی بالاتر از زمین، فقر فرهنگی و مادی (۳۱٪) مهمترین عامل منازعات قومیتهاست. کینه‌های قدیمی بین عشایر و طوایف (۱۹٪) موضوع مهمی است که در اختلافات قومیتی و بحرانهای اجتماعی نقشی مؤثر دارد. وجود مجموعه‌هایی از اراذل و اوباش (۱۵٪) و تحریکات خارجی (۹٪) را باید در نزاعهای قومیتی جدی گرفت. برخی از بزرگان اوباش باتوجه به منحصربودنشان به یک قومیت یا طایفه خاص به‌نوعی در مصونیت هستند که البته اینجا، جایی است که حکومت باید ضمن اجرای عملیات روانی مناسب با برخورد قاطع با آنها مصونیتشان را بشکند و فضای روانی مسموم را در جهت امنیت مردم و حفظ وجهه خود تغییر دهد. این موضوع بویژه در مناطق عرب‌نشین پررنگ است. متأسفانه

هنوز شاهد ترورهای قومی هستیم! هنوز شاهد کشتار به دلیل اختلاف قدیمی دو طایفه هستیم! در ارتباط با امکان وقوع بحرانهای اجتماعی ناشی از حوادث طبیعی، نتایج مصاحبه نشان می‌دهد رسانه‌های عربزبان کشورها یا گروه‌های متخاصم و یا رقیب بشدت بر این مسئله متمرکز هستند؛ همگی هدفگذاری کرده‌اند تا طوری بر مردم عربزبان خوزستان القا کنند که نفت خوزستان حق مسلم و انحصاری آنهاست و عجمها (غیر اعراب) دارند آن را می‌برند و استانهای دیگر (غیر عرب) را آباد می‌کنند! این ظرفیت وقتی به تحقق می‌نشیند که مردم عربزبان و دلاور خوزستان در فقر و تهیدستی به سر می‌برند و در همان حال درگیر بحران یا به عبارتی حادثه طبیعی نیز می‌شوند؛ در این وضعیت نه تنها بحران اجتماعی پدید می‌آید بلکه بحرانهای امنیتی نظامی نیز به وقوع می‌پیوندد. متأسفانه برخی از روستاهای استان خوزستان بویژه عربزبان، به‌رغم اینکه در همسایگی چاه‌های نفت و گاز به سر می‌برند از لوله‌کشی گاز محروم هستند! با هر منطقی به این مسئله بنگریم، می‌بینیم مردم این منطقه باتوجه به مجاورت با منابع گازی برای گازرسانی نسبت به دیگران اولی هستند.

یکی از مهمترین بحرانهای اجتماعی را بی‌اعتمادی مردم نسبت به یکدیگر و نسبت به حکومت مرکزی باید دانست.

درباره پرسشنامه برخی مسائل حائز اهمیت به دست آمد که به این شرح است: زنها تعصبات قومیتی بسیار کمتری نسبت به مردان دارند؛ قومیت فارس یا خوزی از میزان ناعدالتی کمتری رنج می‌برد. قوم عرب باتوجه به محرومیت شدید و تمرکز آفند غیر عامل دشمن از بی‌اعتمادی زیادی نسبت به حکومت مرکزی و هم‌چنین همگرایی خارجی رنج می‌برد و بیشترین احساس تبعیض را به خود اختصاص داده است.

قومیت کم‌جمعیت ترک قشقایی از این جهت حائز اهمیت است که این ایل در چندین استان دیگر جمعیت قابل توجهی دارد. باید در نظر داشت در صورت پیدایش درگیری قومیتی و ورود این ایل به این نزاع، احتمال وقوع بحران امنیتی در سطح ملی وجود دارد. این مسئله درباره قومیت لر نیز صدق می‌کند. ایل قشقایی کمترین سطح درآمد را دارد. قومیت لر و بختیاری بعد از فارسها بیشترین درآمد را دارند. اغلب مسولان

امنیتی و انتظامی از این قومیت هستند. هم‌چنین بختیاریها به مناطق و چراگاه‌های مرتفع استان تسلط دارند.

عرق قومی در عربهای استان خوزستان از دیگر قومیتها بسیار قویتر است و این موضوع بویژه در میان مردان این قومیت آشکارا یافت می‌شود. میل به افزایش جمعیت در میان قومیت عرب از دیگران بیشتر است و آنان خود را در رقابتی مهم با دیگران می‌بینند. بیشتر مردم خوزستان در مورد اقدامات لازم برای پیشگیری از بحرانها (ناشی از مخاطرات طبیعی) آشنایی بسیار ضعیف و ابتدایی دارند و متأسفانه در این مورد آموزشهای لازم و کافی از سوی نهادهای دولتی (حکومتی) انجام نشده است.

اهالی استان خوزستان بحرانهای اجتماعی ناشی از حوادث طبیعی را قطعی می‌دانند و تنوع قومیتی را ضلع دیگر خلق بحران تلقی می‌کنند

## پیشنهادها و راهکارها

در این پژوهش سخن از بحرانهای اجتماعی ناشی از حوادث طبیعی در منطقه با تنوع قومیتی است. از سه دیدگاه می‌توان به رفع این بحران پرداخت که بهترین راهکار ترکیب این سه دیدگاه است.

### ۱. ارتقای سطح فرهنگی و آموزشی مردم در پاسخ به بحرانهای اجتماعی

اولین قدم در این مورد تقویت عرق ملی در میان مردم خوزستان است. برای این مهم باید در تعصبات قومی و فرهنگ طایفه‌ای ایشان تعدیلاتی را به‌وجود آورد.

بهترین روش دستیابی به این موضوع، استفاده از رسانه‌های صوتی و تصویری مانند شبکه‌های اجتماعی و تلویزیون است.

آموزش و پرورش استان باید از سنین کم یعنی در دوران دبستان اصلاحاتی را درباره حس قومینگرایی مردم به‌کار بندد.

نخبگان و هنرمندان و شخصیت‌های محبوب استان باید در این موضوع فعالیت کنند. تلویزیون بویژه شبکه استانی با تدوین فیلم و سریال، برنامه‌های گفتگوی زنده و ساخت مستند با قدرت بیشتری برای حل و فصل تعصبات شدید قومیتی فعالیت، و عرق

ملی را در میان مردم این استان تقویت کند.

نخبگان، سلبریتی‌ها و هنرمندان در مورد مسئله مهم وطن‌دوستی و عرق ملی در فضاهای مجازی و رسانه‌ای فعالیت کنند و نسبت به همگرایی وطنی در استان خوزستان مؤثر باشند.

سازمانهای فرهنگی و نهادهای مختلف امور فرهنگی در استان در نشر ازدواجهای میان قومیتی فعالیت کنند. ازدواج قومیتها می‌تواند از شدت بحرانهای اجتماعی و منازعات بین قومی بکاهد.

## ۲. مدیریت کارآمد دولتی (حکومتی)

در این زمینه تمامی دستگاه‌های دولتی، لشکری و کشوری باید از تحریکات قومیتی جدا پرهیزند.

در تعیین مسولان و ابقای مسئولیتها باید دقت کرد. مردم بویژه خواص استان خوزستان روی این مورد حساسیت ویژه‌ای دارند.

مسولانی که از قومیتی خاص هستند، نباید در برخورد با دیگر قومیتها تبعیض به‌خرج دهند و نباید برای آشنایان و افراد طایفه یا قوم خود تلاش کنند. جلوگیری از این مسئله وظیفه دستگاه‌های نظارتی و بازرسی است.

پیشنهاد می‌شود برای تقویت وحدت ملی از متخصصان، نخبگان و یا افرادی در خارج از استان خوزستان نیز استفاده شود که سابقه مسئولیتهای دولتی و حکومتی را دارند؛ مثلا پزشکی که سابقه اداره بیمارستان را دارد در استان فارس مسئولیت یک بیمارستان را بر عهده بگیرد. در این حالت مردم و اطرافیان آن شخص در می‌یابند که فرزند این استان متعلق به همین کشور و ملت است و به او توجه و عنایت می‌شود و در جای دیگر در کشور مسئولیت و پست مهمی گرفته است.

دولت باید در بحث توریسم داخلی، فضاهای مناسب را شکل دهد تا اختلاط بیشتر و رفت و آمد دیگر اقوام و مردمان استانهای دیگر را تقویت کند. در این فضا با مدیریت مناسب و فرهنگ‌سازی درخور، مودت ایرانی و همگرایی داخلی افزایش می‌یابد و پیش‌بینی می‌شود ازدواجهای خارج استانی هم زیاد شود.

تلویزیون، که نهادی دولتی است، نباید به تحریکات قومی دامن بزند و آن‌چنانکه در مورد یک آورده شد، باید به آموزش و فرهنگ‌سازی روی بیاورد و حتماً نقش شبکه استانی خوزستان در ساخت سریالها و برنامه‌های کودک و نوجوان بسیار حائز اهمیت خواهد بود.

رفع محرومیت و فقر مهمترین وظیفه دولت در پیشگیری از بحرانهای اجتماعی ناشی از حوادث طبیعی است. آن هم در وضعی که این استان بسیار غنی است. دستگاه‌های امنیتی می‌دانند تحرکات برخی عناصر ناسیونالیسم قومی در این استان بسیار شدید است و می‌تواند با جرقه حادثه طبیعی به بحران ملی منجر شود.

توزیع عادلانه امکانات دغدغه‌ای است که مردم استان دارند و از تبعیضات موجود رنج می‌برند. همیشه این تبعیضات ازسوی مراکز دولتی نیست؛ بلکه با روند خصوصی‌سازی در دو دهه اخیر بویژه در موضوعات خدمات عمومی و... بعضاً مراکز، مؤسسات و شرکتهای خصوصی یا نیمه‌خصوصی شیطنت به‌خرج می‌دهند؛ به‌عنوان مثال فلان شرکت اینترنتی ای دی اس ال که مسئول آن در استان خوزستان از یک قومیت خاص است در جهت رونق خدمات شرکت خود در مناطقی که متعلق به قومیت خود است، همت می‌کند. البته نباید نقش نظارت دولتی را نادیده گرفت بویژه اینکه نقش نظارتی دولت باید در این استان به‌صورت ویژه تقویت و اعمال شود.

از اختلاف طبقاتی باید کاسته شود. بدون هیچ‌گونه جهتگیری یا پیش‌زمینه سیاسی باید گفت مردم مستضعف خوزستان از طرح مسکن مهر خاطره خوبی دارند و از آن بهره مناسبی برده‌اند؛ مانند این‌گونه خدمات دولتی برای کاهش اختلافات طبقاتی باید افزایش یابد.

دولت باید دربارهٔ استخدام نیروهای بومی و جوانان خود استان در کارخانه‌ها و صنایع مختلف همت بگمارد. سیل فراوان خارج استانیهای مقیم خوزستان در کسب مناصب مدیریتی و تخصصی در استان خوزستان از جمله دلایل نارضایتی اجتماعی در این استان است.

البته نباید تمامی غیراستانیها را حذف کرد؛ زیرا این فضا رقابتهای ناسالم میان قومیتی

را در استان افزایش می‌دهد و فرصت را برای عده‌ای سودجو به‌منظور تصمیمات نابجا مناسب می‌کند. هم‌چنین میزان ورود کنترل‌شده متخصصان غیراستانیها نیز برای اصطکاک مثبت با اهالی استان توصیه می‌شود.

برخورد قاطع دستگاه قضا با متخلفان در سازمان اسناد و شهرداریها؛ باید جلوی واگذاری سند و یا تغییر کاربریهای غیر قانونی (که عمدتاً ناشی از قومیت‌گرایی یا رشوه است.) گرفته شود؛ زیرا واقعاً در ابعاد مختلف خطرآفرین است.

مرزهای استان باید به‌منظور عبور و مرور برخی از طوایف عرب با کشور همسایه (عراق) آسانتر، و در عین حال از حیث امنیتی باید تقویت شود؛ زیرا عمده سلاح وارداتی به خوزستان از همین مرزها و به‌صورت قاچاق صورت می‌گیرد.

بسیاری از قومیت‌های خوزستان مسلح هستند! باید سلاح ایشان یا به‌صورت قانونی در آید که البته بعد از انقلاب اسلامی در این زمینه اقداماتی شده که کافی نبوده است و یا این سلاحها جمع‌آوری شود. بدیهی است جمع‌آوری سلاح مسیر مطمئن‌تری است؛ اما به زمان، شناسایی مبانی ورود و بویژه فرهنگ‌سازی نیاز دارد.

مسولان دولتی باید از حال مردم داشته آگاهی بیشتری باشند. اصطلاحاً نهادی که بر آن ریاست دارند، ارباب‌رجوع‌پذیرتر است؛ باید بیشتر از گذشته در میان مردم حاضر شوند؛ جلسات دیدارهای مردمی افزایش یابد؛ مانند آنچه امام جمعه اهواز (حجت‌الاسلام سیدعبدالنبی موسوی‌فرد) انجام می‌دهد و حقیقتاً چه تأثیر مثبتی در میان مردم داشته است. ایشان، که خود از قومیت عرب است در موضوعات ساخت‌وسازهای جهادی فعالیت می‌کند و به‌صورت کلی باید گفت در دسترس مردم است و مشکلات هزاران نفر را به کمک دفترشان حل و فصل کرده‌اند.

### ۳. مدیریت بحران کارآمد در زمینه بلاای طبیعی

در مورد مخاطرات طبیعی خاطر‌نشان می‌شود اصلیت‌ترین بخش مدیریت بحران، قبل از بحران است که باید پیشگیریها و زیرساخت‌های لازم برای پیشگیری از بحران در استان خوزستان تقویت شود.

همان‌طور که اشاره شد، باید در موضوع آموزش مردمی در برابر پیشگیری و رویارویی

با بحرانهای طبیعی همت گمارد؛ به‌عنوان مثال دربارهٔ جلوگیری از خسارات ناشی از سیل این راهکارها توصیه می‌شود:

- اجرای طرحهای حفاظت از خاک و اجرای عملیات آبخیزداری و آبخوانداری در ارتفاعات استان و استانهای همجوار

- احداث راه‌های هدایت سیلاب به مناطق کم‌اهمیت و لایروبی منظم بستر رودها، کانالها، مسیل‌ها و تعریض آنها

- جلوگیری از ساخت‌وسازهای با یا بدون مجوز در حاشیه خطرناک رودخانه‌ها  
 - غنی‌کردن آبهای زیرزمینی از طریق هدایت سیلابها به سمت زمینهای دیم و ایجاد بند در مسیر آنها

- احداث دیواره ساحلی در حاشیه رودهای استان و ساخت سیل‌بند در مسیرهای احتمالی وقوع سیل

- احداث سدهای مختلف، بویژه سدهای مخزنی برای مهار آبهای روان سطحی  
 - محاسبه دوره بازگشت سیل و ایجاد آمادگی عمومی برای رویارویی با آن  
 - استفاده از مصالح مرغوب و مقاوم در برابر سیل  
 - گسترش و اجرای بیمه سیل بویژه برای کشاورزان، دامداران و صاحبان صنایع  
 - ایجاد آمادگی و آموزش همگانی و تخلیه محل سکونت قبل از وقوع سیل و مدیریت صحیح منابع آبهای سطحی

در موضوع مدیریت بحران در مخاطرات طبیعی استان خوزستان، نکته‌ای قابل تأمل وجود دارد و آن اینکه نباید فراموش کرد اگر از شدت و ضرب یک حادثه طبیعی گرفته شود طبعاً امکان وقوع بحرانهای اجتماعی نیز کم خواهد شد؛ اینجا ارزش مدیریت بحران در بلایای طبیعی نمود پیدا می‌کند.

## نتیجه‌گیری

بحرانهای اجتماعی ناشی از حوادث طبیعی در مناطقی که تنوع قومیتی دارند بویژه منطقه مورد بررسی یعنی استان خوزستان را که در آن اختلافات، رقابتها و منازعات



قدیمی نیز به فراوانی یافت می‌شود، باید در منشأ خود یعنی عدم بهره‌وری مناصب مدیریت دولتی دانست.

بحرانهای اجتماعی عمدتاً از سوء مدیریت حاکمیت بر می‌آید. در زمانهای حادثه (بلایای طبیعی) به دلیل ذات بحران (حادثه طبیعی)، که در آن توانمندی و امکانات به حد بسیار کمی در قیاس با نیازها می‌رسد، توقعات مردم از دولت به اوج می‌رسد؛ و در عین حال باید در نظر داشت منطقه‌ای که مورد اختلاف و رقابت اقوام است، نیازمند توجه و ظرافت در اقدام سریع با رویکرد عدالت‌محوری است.

اما پیش از بررسی بحران باید پیشگیری از بحران را مدنظر داشت. در کشور ما به دلیل ضعف در زیرساختهای مدیریت بحران، عمدتاً بحرانها در زمان آن و پس از آن مدیریت می‌شوند.

بسیار مهم است که در نظر بگیریم استان خوزستان به دلیل تجمع منابع زیستی و حیاتی کشور در آن همچون قلب اقتصاد تکیه بر نفت کشور است؛ بنابراین موضوع پیشگیری باید بیش از پیش مورد توجه مسولان و مجریان دولتی، کشوری و لشکری باشد.

مسئله درگیرهای قومیتی وقتی در این استان بروز بیشتر می‌یابد که نسبت‌های توزیع جمعیتی دو قومیت اصلی (در زبان عامیانه استان: عرب و عجم) تقریباً به یک اندازه است. نسبت فقر در مناطق عرب‌نشین بیشتر است و امکان بحرانهای اجتماعی نیز بیشتر.

خلق عرب و دیگر گروه‌های مسلح ضد انقلاب در سایه کم توجهی دولتمردان به این استان مستضعف و نیز با پشتیبانی مالی، اعتقادی و نظامی کشورهای متخاصم عربی و غربی سایه بحران اجتماعی را بر سر استان انداخته‌اند. کافی است در یک حادثه طبیعی، ناعدالتی در رسیدگی به مردم بحرانزده رخ دهد، همانگونه که پیش از این نیز مواردی بوده است که بحران به همت خود مردم غیور عرب در نطفه از بین رفته است.

چهار ضلع اصلی مربع بحران اجتماعی یا به عبارتی چهار امکان اصلی وقوع بحران اجتماعی ناشی از حادثه طبیعی در استان خوزستان که از این پژوهش نتیجه گرفته می‌شود:

۱. فقر (اجتماعی و فرهنگی) ۲. اختلافات قومیتی ۳. زمین ۴. شدت مخاطره (بوئژه سیل) مدیریت نشده

سه ضلع مثلث راهکارهای پیشگیری از این بحرانها به این قرار است:

۱. ارتقای سطح فرهنگی و آموزشی مردم در پاسخ به بحرانهای اجتماعی ۲. بهره‌وری مدیریت دولتی (حکومتی) ۳. مدیریت بحران کارآمد در زمینه بلایای طبیعی

بر اساس داده‌ها و تحلیل آنها میان بهره‌وری مدیریت دولت و مدیریت بحران در نقاط خطرپذیر اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی، پیش از وقوع بلایای طبیعی در میزان بحرانهای اجتماعی و تعداد تنشهای قومیتی در استان خوزستان ارتباط مستقیم وجود دارد.

## منابع

۱. دهقان، یدالله؛ کتابی، محمود و جعفری‌نژاد، مسعود (۱۳۹۵)، شکافهای اجتماعی و تأثیر آن بر شکل‌گیری و رشد رادیکالیسم در سوریه با تأکید بر شکاف‌های قومی مذهبی، دوفصلنامه علمی - پژوهشی دانش سیاسی، س دوازدهم، ش دوم.
۲. پیشگاهی‌فرد، زهرا و حدادپور، امیر (۱۳۹۴)، جایگاه هویت قومی در همبستگی ملی (مطالعه موردی قوم عرب در خوزستان)، هشتمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران.
۳. محمدشفیعی، محمدرضا و محمدشفیعی، امیرحسین (۱۳۹۴)، بحران و راهکارهای مدیریتی آن، دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی، ترکیه، استانبول.
۴. عسکری‌پور، حبیب و دریایی، پریسا (۱۳۹۴)، تنوعات قومی فرصت یا تهدید، دومین کنفرانس بین‌المللی علوم رفتاری و مطالعات اجتماعی.
۵. برقی، حمید و معمار امامیه، متین (۱۳۹۵)، بررسی اثرات خشکسالی بر ساختار اقتصاد روستایی (مطالعه موردی: دهستان گلاب شهرستان کاشان)، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی.
۶. کریمی‌فر، حسین (۱۳۹۳)، قومیت و امنیت پایدار (مطالعه موردی استان خوزستان)، کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی.
۷. کریم‌زاده، علی؛ علوی، سیدفواد و احمدی‌راد، علی (۱۳۹۲)، آسیب‌شناسی مسائل قومی در جامعه ایران (بررسی موردی عرب‌های ساکن شهرستان اهواز، علوم اجتماعی (دانشگاه آزاد شوشتر) ش ۲۰.
۸. قیم، عبدالنبی (۱۳۸۰)، نگاهی جامعه‌شناختی به زندگی و فرهنگ مردم عرب خوزستان، فصلنامه مطالعات ملی.
۹. امانپور، سعید و ظریفی، کوبک (۱۳۹۲)، ارزیابی خطر و خطرپذیری حوادث طبیعی و غیرمترقبه در استان خوزستان، دومین کنفرانس ملی مدیریت بحران.
۱۰. طرحانی، نعمت (۱۳۹۸)، شناسایی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخصهای بحرانهای اجتماعی، پدافند غیر عامل و امنیت.
۱۱. احمدی، حمید (۱۳۷۹)، قومیت و قوم‌گرایی در ایران از افسانه تا واقعیت، فصلنامه مطالعات ملی.

۱۲. عساریان‌نژاد، حسین (۱۳۸۳)، امنیت و قومیت در جمهوری اسلامی ایران، ماهنامه دانشگاه عالی دفاع ملی، ش ۴۸ و ۴۹.
۱۳. دژم‌خوی، صادق (۱۳۸۰)، گرایش‌های قومی در تبریز، اداره کل ارشاد آذربایجان.
۱۴. رمضان‌زاده، عبدالله (۱۳۷۶)، توسعه و چالش‌های قومی، مجموعه مقالات همایش توسعه و امنیت عمومی، وزارت کشور.
۱۵. گودرزی، حسین (۱۳۸۴)، مفاهیم بنیادین در مطالعات قومی، تمدن ایرانی، تهران.
۱۶. فرخی، عباس (۱۳۸۶)، تأثیر عملکرد دولت مرکزی بر نقش‌آفرینی اقوام مرزنشین در ایران، مدیریت نظامی، شماره ۲۶.
۱۷. امام خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۹)، بیانات در دیدار مسئولین و کارگزاران نظام، ۱۹ تیر، قابل بازیابی در: درگاه رسمی مقام معظم رهبری در اینترنت.
۱۸. ایوبی، حجت‌الله (۱۳۷۷)، شکاف‌های قومی و خشونت در پیکارهای سیاسی، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره اول.
۱۹. دیوسالار، مجید (۱۳۸۷)، پگاه حوزه، ش ۲۵۱.
۲۰. ابراهیم‌آباد، غلامرضا (۱۳۹۰)، نسبت هویت ملی و وحدت ملی در ایران، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
۲۱. صالحی امیری، سیدرضا، مدیریت منازعات قومی در ایران، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص.
۲۲. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳)، روایت، غیریت و هویت در میان ایرانیان، تهران: فرهنگ گفتمان.
۲۳. کسروی، احمد (۱۳۶۲)، تاریخ پانصدساله خوزستان، ج ۱، تهران.
۲۴. میرزا ظل‌السلطان، مسعود (۱۳۵۰)، نگاهی به زندگی و آداب و سنن در ایلات هفت‌لنگ و چهارلنگ، تهران: نشرکریمی.
۲۵. کریمی‌پور، کوثر و کریمی‌پور، یدالله (۱۳۸۴)، عرب‌های خوزستان: واگرایی و همگرایی، نشریه پژوهش‌های جغرافیایی.
۲۶. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، ج ۴، تهران: دانشگاه تهران.
۲۷. سایکس، سرپرسی (۱۳۶۲)، کتاب تاریخ ایران، ج دوم، ترجمه محمد فخرداعی گیلانی، تهران: انتشارات نگاه.
۲۸. پیمان، حبیب‌الله (۱۳۴۷)، کتاب ایل قشقایی، تهران: نشر دانشگاه تهران.

۲۹. دشتبان، حسین (۱۳۹۷)، امنیت اجتماعی در ایران، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳۰. آراسته‌خواه، محمد (۱۳۸۱)، فرهنگ اصطلاحات علمی - اجتماعی، تهران.
۳۱. ساوه درودی، مصطفی و عسگری، شاداب (۱۳۹۲)، زمینه‌های بروز بحرانهای اجتماعی، چستی و چگونگی، فصلنامه اطلاعاتی حفاظتی جامعه اطلاعاتی، س چهارم، ش چهارم.
۳۲. ناکینی، محسن (۱۳۹۶)، تأثیر سازماندهی در مدیریت بحرانهای اجتماعی، فصلنامه علمی - ترویجی پدافند غیر عامل و امنیت، س ششم، ش ۱۸.
۳۳. پیغمبردوست، سعید (۱۳۸۸)، ارتش و قومیت‌های مرزنشین در امنیت ملی، تهران: دانشکده علوم و فنون فارابی.
۳۴. پورسعید، فرزاد (۱۳۹۶)، نارضایتی اجتماعی، فرصت سیاسی و ناآرامی خیابانی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳۵. درگاهی، حسین (۱۳۹۶)، تحلیل چالشهای رشد اقتصادی ایران، رویکرد الگوی اقتصادسنجی کلان، فصلنامه علمی - پژوهشی برنامه‌ریزی و بودجه، س ۲۲، ش ۲.
۳۶. موسوی، سیدصدرالدین و قربی، سیدمحمدجواد (۱۳۹۲)، روشهای تحقق امنیت فرهنگی در منظومه فکری امام خمینی(ره)، مجله پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی.
۳۷. صالح‌نیا، علی و بختیاری، حسین (۱۳۹۷)، اولویت‌بندی تهدیدات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با روش تحلیل سلسله مراتبی، مطالعات راهبردی و سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۷.
۳۸. مداری، ابراهیم (۱۳۸۸)، جغرافیای استان خوزستان، چ هم، تهران: چاپ و نشر کتاب‌های درسی.
۳۹. داودنژاد، غلامرضا (۱۳۸۶)، بلایای طبیعی خوزستان، اهواز: انتشارات استانداری خوزستان.
۴۰. استانداری خوزستان، معاونت امور عمرانی (۱۳۸۹)، شناخت بلایای طبیعی و راه‌های پیشگیری آن، اهواز: چاپ استانداری.
۴۱. استانداری خوزستان (۱۳۸۲)، گزارش خسارات وارده بر میگوی چوبیده آبادان، اهواز: چاپ حوادث غیرمترقبه استان.
۴۲. خاکی، غلامرضا (۱۳۸۲)، روش تحقیق، تهران: بازتاب.
۴۳. فتحی آشتیانی، علی (۱۳۸۹)، آزمونهای روانشناختی، تهران: بعثت.

۴۴. سازمان علمی و آموزش فرادرس (۱۳۹۸)، *مجله مجازی فرادرس*، آمار و داده کاوی.

45. Laura dugan
46. Objective
47. Subjective
48. Khamenei.ir
49. Irredentism
50. Likert scale
51. Rensis Likert
52. Kolmogorov-Smirnov
53. Correlation Coefficient
54. Spearman
55. [1]. Professor Laura J. Dugan
56. Department of Criminology and Criminal Justice
57. THE IMPACT OF NATURAL DISASTERS ON KURDISH TERRORISM IN TURKEY 1987-2011: THE IMPORTANCE OF ADEQUATE GOVERNMENT RESPONSES TO NATURAL DISASTERS. Daren Geoffrey Fisher, Master of Arts, 2014
58. Krosnick, Jon A.; Fabrigar, Leandre R. (1997-01-01). Lyberg, Lars, ed. Designing Rating Scales for Effective Measurement in Surveys. John Wiley & Sons, Inc. pp. 141–

## An Investigation of the Probability of Social Crises by Natural Disasters in Khuzestan Province

Mohammad Hossein Zhorfasadati<sup>1</sup>

Parviz J'afari Fesharaki<sup>2</sup>

Nabi Sohrabi<sup>3</sup>

This study is intended to investigate the probability of the outbreak of social crises after natural disasters in the multi-ethnic province of Khuzestan. The research is carried out through library method by reviewing the related sources and collecting data through questionnaires and interviews. Analysis of the data is carried out quantitatively, through SPSS software, and qualitatively. The results revealed that there is a direct positive relationship between the efficiency of government management and crisis management in reducing the social crisis caused by natural disasters. The most prominent results of the research on the possibility of social crisis after the natural disaster in Khuzestan province revealed that the causes of crises include poverty, increase of ethnic differences, discrimination, and injustice. The most important solution for preventing social crises includes proper and justice-oriented management of natural disasters in regions with ethnic diversity. Cultural reforms such as control of ethnic prejudice and proper education through the media, educational institutions and organizations are other ways to prevent social crisis caused by the danger of crisis in Khuzestan province; However, poverty alleviation and eradication of people's deprivation are the first priorities of public administration through crisis management approach in the prevention phase.

**Keywords:** Crisis management in Khuzestan province, social crises in Khuzestan province, Khuzestan province, ethnic groups in Khuzestan province, preventive measures and natural disasters, mismanagement in Khuzestan province

---

1. Corresponding author: master of crisis management, researcher at Malek Ashtar University of Technology, Tehran, Iran

2. Assistant professor, Malek Ashtar University of Technology, Tehran, Iran

3. Assistant professor, Malek Ashtar University of Technology, Tehran, Iran